

اسناد و نامه های تاریخی

افغانستان



فرمان پادشاهی



گورآورنده: شهرت نگیال

۱۳۷۷

اسناد و نامه های تاریخی

افغانستان



گردآورنده شهرت ننگیال



AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00007957 3

مشخصات کتاب:

نام	:	اسناد و نامه های تاریخی افغانستان
گردآورنده	:	شهرت ننگیال
ناشر	:	دانش کتابخانه، دکی نعلبندی، قصه خوانی، پشاور، تلیفون: ۲۵۶۴۵۱۳
تاریخ طبع	:	۱۳۷۷ هـ.ل
تیراژ	:	یکهزار

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

اولین مجموعه این اسناد در سال ۱۳۶۶ هـ ش منتشر گردید، که مورد دلچسپی و علاقمندی فراوان قرار گرفت، از آنزمان تا ایندم یازده سال سپری گردید - درین سالیان که حوادث تکان دهنده و فجایع گسترده مسلط بر ملت ما همه داشته های مادی و معنوی ما را به یغما برد، بخصوص فرهنگ و کلتور ضایعات جبران ناپذیری را متحمل گردید که بحر می توان آنرا فاجعه خونین فرهنگی و کلتوری دانست. در این میان اسناد و اوراق بسیار مهم تاریخی نیز به آتش کشیده شد و از میان رفت، نه تنها اینکه کتابخانه ها و ارشیف های دوائر دولتی طعمه حریق گردید بلکه اسنادی که حیثیت منحصر بفرد داشتند نیز مصئون نماند و در راکت بارانها زیر مخروبه های منازل مدفون گردید و از بین رفت. ناشر دردمند و هموطن اسدالله "سای" چندی قبل تجدید طبع اسناد تاریخی را در میان گذاشت و تصمیم بر آن شد که اسناد و نامه های نو یافته را نیز با آن ضم نموده بعنوان اسناد و نامه های تاریخی افغانستان به دسترس نشر بسپارم. امیدوارم مورد توجه هموطنان قرار گرفته و توانسته باشیم، برگی چند از تاریخ کشور عزیز را حفظ نمایم.

شهرت ننگیال

د مطبوعاتی خدمتونو مرکز

کرم اشرف اعلیٰ

منصب مفتی رفیع مودیم دبیر کرده اگر صد نفر ثابت و مامور کرده

ایم بکلمه معجز نام بر خوراسته و جوانان فوج باقی تنه است

بہارِ ہمارا نامبروہ روانہ حضور شویدہ از اقدس

چهره شوند و بعد از خدمت مامور و فرموده شوند

مستخفوا الذم ونابت بشند الطاف قدس

نشد حال خود را نشد در بنای حسب الامر

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or name, with a circular stamp or seal above it.

فرمان امامت و خطابت از جانب امیر عبد الرحمن خان عنوانی مولوی عبد الغنی یکی از علمای شهر علاقه وردگ



فرمان هایون حضرت سالک الدالین اثرن اعلیٰ شاکه چون منظور نظر اوردیانت اثرشهریاری همیشه بر آنست که احکام شریعت عز و کرامت بیضای نبوت
صلی الله علیه وآله وسلم در باب عقاید و اعمال در خواص و عوام مالک محلیه افغانستان جاری و معمول باشد و هیچ مسلک مخالف عقیده اهل سنت و جماعت
و مذنب مذهب امام عظیم اینچنین در حجت علیه السلام ضعیف و مذنب شریف مذکور که مخالف اصول دین و متون معتبره باشند که در بعضی اوقات بعضی بیگانه
دیانت و شیخ برای ذریه طلب جاه و ثروت دنیوی آن مسئله ضعیف را در باب عقاید یا عمل اجرا میدهند بدین سبب جاه و نام آوری خود را در دنیا
ساده عوام پای سید بپزند منظور نظر دیانت اثرشهریاری آنست که راه ارای اینگونه مسلک با اهل کمال و من جمیع الوجوه و مسدود باشد بپزند تمامه وضع
معموره مالک محوره علمای هر علاقه اخلاصه و غیر امتحان علم بنصب شریف امامت و خطابت صلوة جمعه فرار داشته اند هر یک از علما مذکورین و
داشتن فقرات ذیل عهد نامه گرفته اند که عقوبت نامه ضعیف کردند و مردم مسلمان را در بر محمدی دودل گفتند و در شک نیندازند فقره اول
اشارت سباده را در شهر نماند می گفتند و مانگه در آن علاقه خود را از ان منع می کنند چنانکه درین باب اشتهار چایی و تخط سبازک بایان رسید
فقره دوم حکم فخر بایان نمی کنیم و قوم مساجد خود را از نسبت نمودن کفر بایان و مورسان خواه حاضر باشند یا غایب نیست کسی کنیم
فقره سوم اینست که هرگز بر موهن و مسلمان نمی گذاریم که کسی بدوئی در باب دین بکند خبر داری علی ادوا علی ضایم و هرگاه آمدی را در قوم
مساجد ما مفسد و یا ناخبر خواهد کلیه اسلامی بدینم بایان میسایل ذیلیه مخالف دین و مذنب حق که علی سوا از خیال خود میسازند و یا کلام ساختن
را بخیال خود شرح میدهند و حرف ناقص خود را مانند ادعای علمی یا مهدی بودن و عدم حصر مذنب همه در چهار و دعوی جبهه او و غیره
امور که مخالف اعتقاد مذنب اهل سنت و جماعت باشد جاری نمایند یا یکی ازین اعمال ناانایسته فوق را هرگاه از احد من الناس در علاقه سینه سیم اول
خود بایان منع می کنیم و هرگاه منع بایان نشد بحضور محدث ظهور پادشاه اسلام نام خود او و پدر و قوم و چهره و دعای او را اطلاع می نمایم تا با
خواست نباید فقط از جمله علمای مذکورین در حق و ولد و غیره از قوم خیر مانکن خواست بجز قابل امامت و خطابت را در خطبه علانیه در ذکر
بفقرات مذکور فوق عهد نمود از جانب سنی الجوانب پادشاهی بنصب امامت و خطابت را فرستاد نموده و این رقم عزت

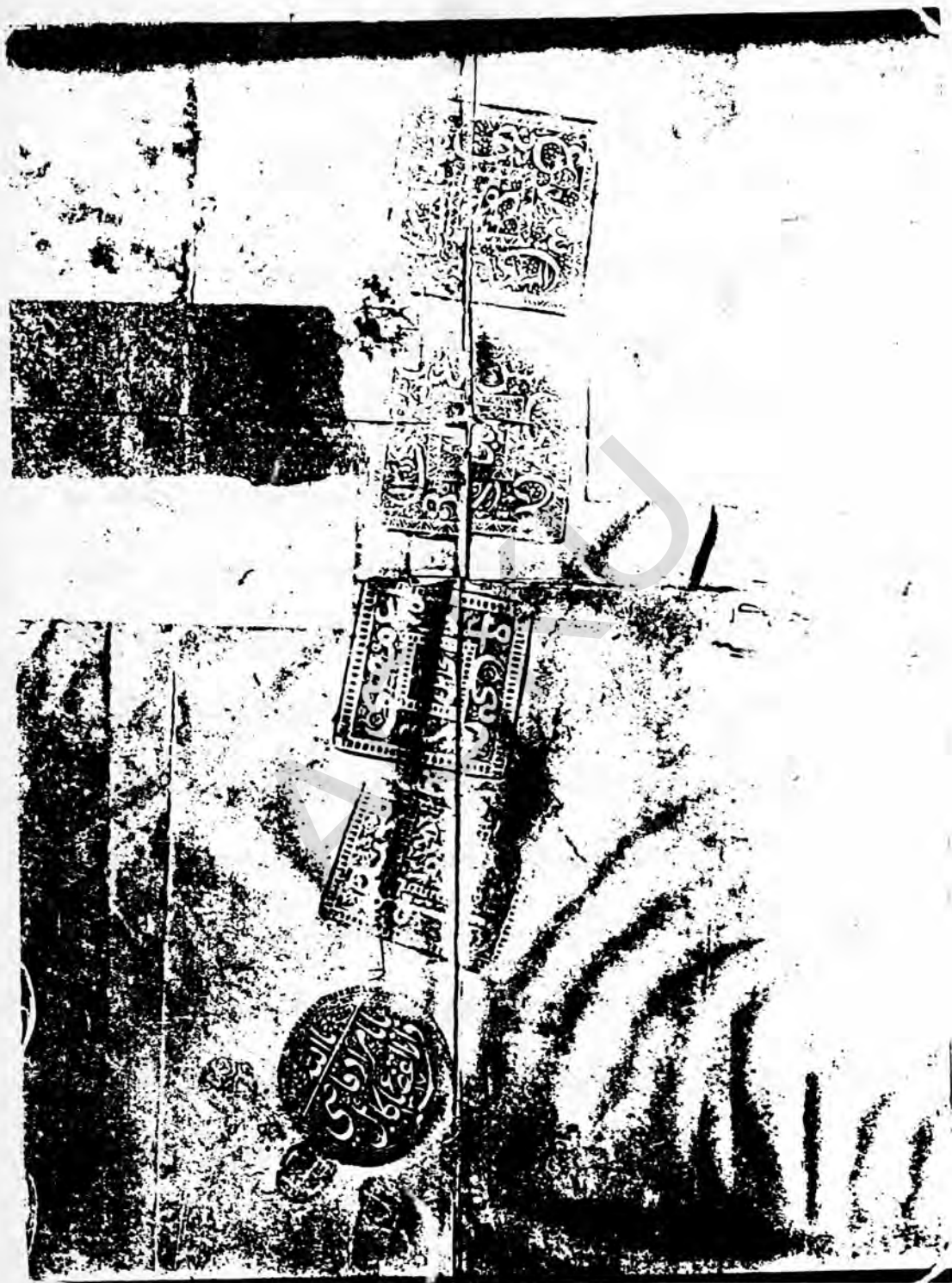


شیم بوی داده شد تا مانند دست آویز او باشد فقط خسر پریم بدست شهره در جری النبوی

شهره

تقدیر شد در روز یکشنبه و جمعه در روز ۳۱

در روز ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱





اعلان و اشتہار در باب مطالعہ کتابہا از کتب خانہ

برہمائے اخلاص مظاہر عایاے صادقہ شاہانہ ہم خصوصاً طالبانِ مطالعہ کتبِ علوم و فنون منہی و پوشیدہ مبدا
از انجائیکہ ہمارے منظور نظر خسروانہما در برابر فرائدِ عمومی اہالی ملک و ملت دولتِ نجمیہ افغانستانست۔ چون کتابخانہ پادشا
مستملت بر کتبِ علوم و فنون و تواریخ و دواوین و قصص و ناول و غیر زبانِ عربی و فارسی و ترکی وارد و انگیزی۔
لہذا بار فرائدِ عمومی امر فرمودیم کہ کتابہاے موجودہ کتابخانہ مذکور تقرر فرماتے دست مرتب شدہ و کتابدارِ مخصوص آن
تحویل باشد۔ پس ہر یک از علماء و اربابِ معارف و آرزو کنندگانِ مطالعہ کتب کہ برائے معلوم کردن بعضے از مسائل
شرعیہ یا مطالبِ فکریہ محتاجِ بکتابے باشند و خواہشِ مطالعہ آنرا داشتہ باشند از حضور امر فرمودیم کہ اولاً ان کتابار از رو
فہرست کتب کہ در کتابخانہ ہما موجود است از نزدیکانِ اہل علم و ادب کہ خواہشِ مطالعہ ایش را در کتابدار گرفتہ و خوا
مخصوص کہ از برائے مطالعہ کنندگان مقرر شدہ و تقرر شدہ مقرر شدہ مطالعہ نماید بعد از رفع یہاں قسم کہ تحویل شدہ بود و
تحویل کتابدار نماید و برود۔ آحاد را اجازہ نیست کہ کتابار از کتابخانہ ہما بخانہ خود بردہ مطالعہ نماید۔ و اگر کسی بخانہ خود بردہ بود
از کتابدار و شخص بازخواست خواهد شد فقط تحریر یوم شنبہ دوم ماہ شعبان ۱۳۳۷ ہجری قمریہ بدست خطِ علمحضرتِ انور و لاگو
بجواب التماسِ بدید رسد و مکاتب علمحضرتِ عرفان پر محصول سابقہ را معاف فرمودند۔ و نیز امر و ارشاد کرد
کہ کتابخانہ از صبح تا شام باز باشد۔ تا شائقینِ علم از محنت و کسب استغاضہ بمانند۔ اگر موم زیاد ملتفت شدند
سر شدہ علم و معاون ہم خواهد شد۔ تا مطالعہ کنندگان از انتخاب و درس کتب اہم و بدینہ فقط۔

اعلان امیر حبیب اللہ سراج الملہ و الدین در بارہ استفادہ از کتاب خانہ شاہی بہ حیث کتابخانہ عامہ



چون کجایه مقصد حضور ما از اراده نماید و طبع و نشر
مخاطب پیراج از کان لایسلا م این است که اگر او
و دولت علیه خدا و افغانستان این پائل ارکان
خمسپ اسلام به دولت و بدون نحت با خبر و چهره کرده
و علاوه بر آن مطالب است دیگر در این نشان حتی الامکان
با حکم شرع انو بطریق نیر و بنا علی چنین و مندرمان و هم
جلد در طبع و حروفی سپری و از اساطیر کابل طبع شود که
چهار هزار جلد محسن از جانب خود ما وقف فی سبیل
بوده اخراجات آن از مال خالص عین اموال خصوصاً
و برای اقسام ثواب و وزیر جلد و بر کبابی و از یک اراده و حرکت
خیر و انشاء طبع شد و اجازت شده است که خرج کتاب
خود او نموده و هر یک که از جمله و هر اراده که در کتاب
است که و انسانی قبول کند و هر یک که در کتاب

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - چاپار خراسان رسید و نوشتجات نواب رکن الدوله را رسانید، محض تکمیل استحضار خاطر مرحمت مظاهر اعلی حضرت ظل اللهی روحنا فداء عین نوشتجات را تقدیم پیشگاه اعلی داشت، گذشته از وضع و نظم امور خراسان حاوی نوشتجات سردار ایوب خان است که حالات و وقایع پیش آمد آن سامان را سردار پیر محمد خان نوشته و همچنین نوشتجاتی که عبدالوهاب خان از هرات به نواب معزی الیه امیر افضل خان پدرش نوشته و رویداد امور را با مراتب حالات نوشته اند، تماماً از عرض حضور عاطفت ظهور مبارک خواهد گذشت و خاطر عنایت مظاهر کاملاً مستحضر خواهد شد - الامر الاقدس الاعلی . مطاع مطاع مطاع . غلام خان هزاراد - حسین .

شاه در بالای گزارش سپهسالار چنین نوشته است . جناب سپهسالار اعظم - نوشتجات خراسان و سایر اخبار که فرستاده بودید رسید همه را خاندنم (خواندم) و اطلاع حاصل شد، این کاغذهای ایوب خان قبل از شکست انگلیس ها است، البته الی حال اخبار جنگ انگلیس ها را هم نوشته اند، با تلکراف به رکن الدوله تأکید اکید بکنید که امیر افضل خان آدم بجایاری بفرستد هرات هر خبری باشد زود بیاورد بعرض برسانید.

..میرزا حسین خان در مقام وزارت جنگ لقب سپهسالار و در مقام وزارت خارجه لقب مشیرالدوله داشته اشت

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم... میجاری امور را در ضمن
عرایص عبیدانه هر روز بعرض خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایون اعلی حضرت
قدر قدرت شاهنشاهی روحانفاده رسانده و این عریضه عاجزانه مخصوصاً برای نوشتجات
خراسان که رسیده و لفاً از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک میگذرد و مشتمل بر دو
مطلب عمده است معروض می افتد، یکی فهرست بهبود خان کلانی است که چاکر
فدوی جواب کل مطالب خراسان را با چاپار نوشته فرستادم اما جواب فهرست بهبود
خان را منوط بصدور جواب از خاکپای مبارک نمودم، فهرست مزبور از عرض لحاظ
انور میگذرد هر طور اراده مبارکه مطاعه، علاقه گیرد حکم جهات مطاع مبارک همایونی
شرف صدور خواهد یافت که این غلام خانه زاد با چاپار آینده جواب آن را بتواند
بنویسد، یکی از دو مطلب عمده این است که روزنامه هرات^۱ بعرض خاکپای مبارک
میرسد معلوم میشود که بطور یقین سردار ایوب خان با تمام جمعیت پیاده و سواره
کابل و هراتی از هرات رو به قندهار بیرون رفته است و در هرات عبدالوهابخان پسر
امیر افضل خان را نایب الحکومه گذاشته و ارك و عمارات را به «یلنگک نوش خان»
پسر آقاخان جمشیدی سپرده است و در این مسئله هم تردید و شبهه راه ندارد که سردار

ایوب خان یا تا حال شکست خورده و جمعیت او متفرق شده است یا عنقریب شکست خواهد خورد و متفرق خواهد شد ، زیرا که امکان ندارد با قشون انگلیس مقاومت نماید ، اگر با اینحال اغتشاش افغانستان و هرات بالکلیه دولت علیه ساکت نشسته از دورنگاه کند خیلی ناگوار است ، علی العجالة چیزی که بنظر قاصر این چاکر فدوی میرسد این است که هرگاه اجازه علیه همایونی شرف صدور یابد باتلگراف رمز بنواب رکن الدوله^۲ دستور العمل بدهم که با امیر افضل خان مذاکره نموده قرار بدهد که امیر افضل خان به عبدالوهاب خان پسر خودش که الان نایب الحکومه هرات است محرمانه مؤکداً بنویسد که اگر سردار ایوب خان شکست خورد و متفرق شد و باز بهرات برگشت او را به هرات راه ندهد ، بعد از آنکه راه نداد و ایوب خان بیک طرفی فرار کرد آنوقت دولت علیه خود امیر افضل خان را حاکم هرات نموده روانه دارد که حاکم هرات دست نشانده دولت علیه باشد و اقلاً اینقدر اقدام در این بین ها از اینطرف شده باشد و انگلیس ها در اینخصوص بهیچوجه حرفی نخواهند داشت ، حاکم هرات هم دست نشانده دولت شده بیک اقدامی هم شده است ، چاکر فدوی گمان ندارم ایوب خان پسر از شکست خوردن حالت رفتن طرف هرات را داشته باشد که محتاج باین شود که پسر افضل خان او را راه ندهد ، در اینصورت اگر این اقدام شود خوب است ، تا رأی قضا امضای مبارک سایه خدا روحنا فداء چه اقتضا فرماید ، بهر طور مقرر شود امتثال خواهد شد ، سایر امور قشونی و وزارت خارجه از شمول توجهات خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک منظم و درطبق اراده مطاعه مبارک است ، حکومت امیر افضل خان در هرات بدست دولت علیه بشود باینمعنی که حکومت هرات باز حکومت مستقله خواهد بود ، این حکومت امیر افضل خان بعینه مثل حکومت سلطان احمد خان در هرات خواهد بود که از اینجا

حاکم شد رفت ، از قرار تقریر انگلیس ها گویا امیر عبدالرحمن خان به کابل نزدیک شده و بنا بدعوت انگلیس ها میرود احتمال می رود که حکومت کابل را با ترکستان به عبدالرحمن بدهند و قندهار را هم به شیرعلی خان و از برای هرات هنوز فکری نکرده اند حکومت افغانستان را باین سه قسم متفرق کرده اند - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد حسین .

شاه بالای گزارش سپهسالار نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - در فهرست بهبودخان احکام نوشته شد همانطور جواب بدهند ، در فقره رفتن ایوب خان به قندهار برای جنگ با انگلیس و این تدبیری که بنظر آورده اید برای حکومت امیر افضل خان در هرات در وقوع شکست ایوب خان از انگلیس خوب تدبیری است و بسیار مستحسن است لیکن البته اولاً باید بطور رمز بهرکن الدوله تلگراف بکنید که او با خود امیر افضل خان در این فقره خلوت کرده مشورت نماید ، اگر او خودش باینوضع و ترتیبی که شما عرض کرده اید قبول و صبحه گذاشت و راضی شد بعد از آن باید اقدام شود ، والا ببینم خود امیر افضل خان چه میگوید ، چون هم مرد عاقلی است و هم بصیرتش در عمل افغانستان زیاد است بدون مشورت او ابتدائاً نباید کاری و حکمی کرد ، بهرکن الدوله تلگراف رمز بکنید جواب هر چه شد بعرض برسانید . - ۹۷ -

۱ - مقصود از روزنامه گزارش بوده است .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شود - در عرایض سابقه
تعیین عبدالرحمن خان^۲ به امارت افغانستان از روی تلغراف ناظم الملك^۳ و اخیل^۴ وارده
از هندوستان بعرض آستان مبارك ملوكانه روحنا فداء رسانیده بودم در شب تلغرافی از
ملکم خان رسید که لازم شد امروز فوراً بعرض اینعریضه عبودیت فریضه جسارت
ورزیده خاطر مبارك همایون شاهانه را از وقایع مهمه در افغانستان هر چه زودتر میگویند
بشود مطلع سازم ، موافق تلغراف مزبور که لغاً از عرض خاکپای اقدس اعلی میگذرد
در حوالی قندهار افغانها يك بریکاد قشون انگلیس را تمام و نابود کرده اند و بریکاد
کمتر از هفت هشت هزار نفر نمیتواند بشود و این واقعه جدید از برای انگلیس يك
مسئله بسیار مشکل و يك چاه عمیقی است که خارج شدن از او کمال صعوبت دارد،
اگر این وهن و خفت بزرگ را متحمل بشود و از افغانستان خارج گردد در فرنگستان
رسوا و مفتضح است و از درجه اعتبار و اعتنا خواهد افتاد سهل است هندوستان را
را نمیتواند نگاه دارد و اگر بماند و در صدد تلافی برآید باید يك محدود کثیری قشون
از تازگی به افغانستان بیاورد و ده مقابل زیاده تر از آنچه سابقاً خرج و ضرر میبرد
متحمل مخارج و خسارت گردد، حال معلوم نیست که این عمل از خود اهالی قندهار بوقوع
رسیده است و یا آنکه قشون هراتی و کابلی که با ایوب خان بجهدارفته بودند مصدر

این کار شده‌اند یا جمعیتی که در غزنین با محمدخان اجتماع داشتند، بوقوع رسیده‌است یا هر سه متفقاً مصدر این کار شده‌اند، بعد از استحضار درست فوراً بعرض آستان اعلیٰ خواهم رسانید. کار عثمانی در نهایت اختلال است جمیع دول معظمه که در حقیقت قدرت روی زمین است بجهت اجرای معاهدهٔ برلین^۴ و قرارداد کنفرانس اخیر^۵ برلین متحد ایستاده‌اند و در عثمانی امروز کسی از رجال دولت نیست که بتواند بار این مشکلات عظیمه را بکشد و طوری بیرون بیاورد که اسباب خسارت کلی دولت نشود و اگر سکوت نموده و تمکین نمایند و ایالت جسیمة معتنا به دولت میرود و خودش ضعیف و دشمنش قوی میشود و همه روزه همین یونانی مثل ناخوشی آکله^۵ او را میخورد و هرگاه ایستادگی نماید و تکلیف مجلس کنفرانس را رد کنند لابد منجر به محاربه میشود و اگر از طرفین يك تیر توپ و تفنگ خالی شود محققاً نتیجه‌اش تمام شدن جمیع قدرت عثمانی از قطعهٔ «روملی» است همینکه محاربه شروع شود اول روملی شرق ملحق به بلغارستان می‌گردد و اثریش به «سیلانک» خواهد آمد، يك توسعهٔ ثانوی هم به قباداغ و سرب و رومانی خواهند داد و فاتحهٔ عثمانی خوانده خواهد شد، تلگرافی از حاجی محسن خان^۶ رسیده بود لفاً از عرض خاکپای انور خواهد گذشت، روز ۱۷ شعبان هم روز ولادت سلطان عثمانی^۷ بود سفارت عثمانی رسماً پذیرائی داشت، تشریفات متداوله بعمل آمد، تلگراف تبریک از جانب سنی الجوانب همایون بسطان زده شد جواب مؤدبانه‌ئی که رسیده است لفاً از شرف عرض خاکپای مبارک خواهد گذشت، الامر الاقدس الاعلیٰ - مطاع مطاع مطاع - غلام خانه‌زاد - حسین .

ناصرالدین‌شاه بالای گزارش سپهسالار نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - منهدم و تلف شدن يك بریقاد لشکر انگلیسی که عبارت

از دور ژیمان است و هر ژیمان افواج متعدد هستند خیلی مایه تعجب ما شد و هیچ منتظر
همچه خبری نبودیم ، مایه این کار همان رفتن سردار ایوب خان از هرات شد باهراتی
وکابلی ، حالا باید دولت انگلیس خط خود را بفهمد و ملتفت بشود که اگر هرات را
بدولت ایران بی شرط واگذار کرده بود قشون ایران افغانهای هرات و این سمتها را
مشغول بخود میکرد و از صرافت جهاد با انگلیس می افتادند و هرگز همچه شکست عظیمی
بآنها نمی رسید ، خلاصه بملکم تلگراف معجلاً بکنید که هر خبری از تفصیل این شکست
و جنگ باشد بزودی بعرض برساند و اقدامات و خیالات انگلیس ها را هم بعد از این
خبر عرض بکنند که این عمل امارت عبدالرحمن خان را برهم میزند یا خیر (؟) خیلی زود
خبر بگیری ، کار عثمانی هم همین است که نوشته اید بهر طرف منجر شود کار او خراب
و چشمه دولتش سراب است ، خیلی جای افسوس است به خطهای گذشته که دولت
باین عظمت را مثل مهره شطرنج حالا مات کرده است در حقیقت شاهمات است و بیچاره .

۱ - تاریخ جنگ قندهار و شکست انگلیس ها روز ۲۷ ماه چولای ۱۸۸۰ میلادی

(آغاز شعبان ۱۲۹۷ ق) بوده است



برضای اخلاص مظاهر منشیان و کتابیان و نویسندگان دفتر پادشاهی و غیره
خدمتگاران دولت واضح و لایح باد بعضی الفاظ مرکب است که پای معروف و پای مجهول
تحریر میشود و برای امتیاز پای معروف از مجهول کتاب علامتی نگذاشته اند در وقت
خواندن برای اکثر مردم اشتباه حاصل می شود مثل شیر و شیر و امثال آن لهذا از حضور
مرحمت دستور اعلحضرت شهریار عدالت فرین سراج المله و الدین سرکار اشرف اعلی
برای امتیاز پای معروف از مجهول علامتی مقرر شده که بشکل هز است که در تحت ذوقطه
یا نوشته شود تا به پای معروف از مجهول شده در خواندن اشتباه حاصل نشود طریقی
علامت مذکوره و نوشتن آن اینست

شیر تیر سیر شیر سیر خیل

و نیز يك قاعده کامل از برای آگاهی شایان تحریر میشود که فرق کلی در میان پای
معروف و مجهول است که هرگاه حرکت ما قبل یا کسره آن پوره خوانده شود مثل
شیر که در عربی لبن میگویند آن یا معروف است و هرگاه حرکت ما قبل یا کسره پوره
خوانده نشود مثل شیر که در عربی اسد میگویند آن یا مجهول است شایان را از قاعده
و مرورشته مذکور اطلاعات داده شد که مطلع و واقف بوده بعد ازین فرق پای معروف
و مجهول را نمود علامتی که از برای پای معروف است در تحت ذوقطه پای معروف
بگذارید فقط تحریر فی یکشنبه ۸ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۸

در مطبع حروفات ماشین خانه مبارکه دارالسلطنه کابل بتاريخ يوم دوشنبه ۲۳ شهر ربیع الاول
سنه ۱۳۲۸ طبع گردید

فرمان امیر حبیب الله سراج المله و الدین در باره املائی بعضی کلمات برای میرزاها و دفترداران



کار داران و مأمورین دوائر حکومتی دولت علیه و اشخاص معزین و رعایای صادقه ام را اعلان میشود ا
چون بقرار آیه کریمه (انما المؤمنون اخوة) مسلمانان برادر هم بوده در حقوق بالمساوات گفته میشوند
مقصود اصل شاهانه ام این است که هرگاه دعوی دوفتر که یکی معزز و دیگری غریب در دوائر حکومتی و محکمه جات
وارد شود مأمورین دولت بدون امتیاز مراتب شخصی حقوق طرفین را بالمساوات مد نظر داشته تحقیق
کرده تصفیة دعوی شانرا بدارند . از قراریکه بحضور ولایما معلوم گردیده از انجین اشخاص که با هم
که تگرو دارند ، یک جانب هر فدییه که میتوانند از یک کار دار و یا از یک دیگر شخص معزز سفاوش خط
اسی مأمور همان دایره حاصل میکنند . در صورت ضرورت توجه مأمور بطرف او میشود . بلکه بعضی
اشخاص بهمین فدییه حقوق مدعی خود را ایصال میدارد ، و علاوه بر آن شخصیک خط میدهد از حق واطل
دعوی علم بدارد در صورت ناطق دعوی . آتم مواخذہ میشود . از انجا که حضور شاهانه ام رعایای
صادقه خود را در همه حقوق بالمساوات دانسته در دعوی دوفتر امتیاز مراتب شخصی را منظور نداده
و نمیخواهم که در هیچ باب زجر و ستم رعایای صادقه ام بآید شود بنابراین برای انتقام مأموریکه سفارش
خط بدهد و یا اجرا نمایند در نظام نامه جزاییه جزا از حضور معین فرموده شده که در تحت طبع است ،
الی زمانیکه تشر شود بذریعہ اعلان هذا جیب مأمورین و معزین را اطلاع میفرماید که آئینده خط سفارش
قطلاً موقوف است که در دعاوی و معامله احدى داده نشود و هرگاه شخصی داده بود از یکصد روپیه الی یکصد روپیه
از شخص خط دهنده و از ده روپیه الی یکصد روپیه از شخص خط گیرنده جزای قضی پادشاهانه خواهد بود



فرمان اعلیحضرت غازی امان الله خان راجع به تساوی سمع دعوی مدعی و مدعی علیه



نشان فی شان (استواری ۳) از حضور علیحضر
 پادشاهی مابنا بر حسن صداقت و غیرت و همت
 که (شهریارین میرالدین خدایت) در راه دولت و ملت
 ابراز نمود؛ اعطا و احسان فرموده شد،
 تا بین الاقران و الأماثل ممتاز و سرفراز بود
 مکافات تقدیر حسن ماست صادقانه و بموجب
 اعزاز و منفعت غیورانه اش باشد.

فرمان اعلیحضرت غازی امان الله خان راجع به اعطای نشان



فرمان پادشاهی

بعموم اولاد عزیزم اهالی ست مشرق !

خدمات جديانه و مساعي خسته گي نا پذيرم را جع به تهيه و سايل خير عبا و سعادت ملت عزيزم بعموم شما آشكار و مبرهن است ، در سايه اين مساعي شبا روزي من ، همدستي و معاونت هاي شما اقوام عزيز الله الحمد افغانستان وطن عزيز تان در دنياي امروزي صاحب مجد و جلال گرديده شهرت بي نظيري را حاصل نموده است ؛ ولي درد بيدرمان جهالت كه هنوز در دماغ بعضي اقوام باقيست مي بينم كه در يك موقع بسيار مهم كه حكومت شما در راه نهضت و تعالى افغانستان گام هاي وسيع مي بردايد و راه تكامل خود را بسرعت مي پيمايد ، دفعه يك عده جهال بتحرك مفسدين و خائنيكه به ترقيات ما دشمن هستند برضد حكومت عايله خود قيام ورزيده بضرر خود و رفع دشمنان دين ميكوشند بالاخر خود را تباه و خراب ، عساكر و ديگر اقوام را چند روزي پريشان ساخته ، اسباب و آلات حربي و پول خزينه حكومت را اتلاف مينمايند . و از اين رهگذر ميخواهند در سير سريع ترقيات مملكت خود رخنه بدی وارد نمايند . چنانچه مردم شنوار بتحرك چند نفر خائين و ارباب فساد بدون يك جهت و سبب يا اظهار شكايه بمحضور ما بر عليه حكومت ايستاده بنای هنگامه را گذاشته اند . ذخاير حربي و اسباب جنگي كه حكومت بهزارها مشقت براي مقابله دشمنان دين و وطن تهيه نموده است لابد اگر اين بد بخت ها تايب نشوند بايد بسر كوبي آنها صرف شود ، اينها چيز هاي است كه شما ميدانيد ، من از الله تعالى خير و هدايت قوم خود را

میخواهم — عسکر دلاور من و شما اقوام بسر کوبی آنها حاضر شده اید ولی من قطعاً
رضایستم که تا حد امکان یک نفر از افراد ملت عزیزم باین طریق جهالت کشته شود .
بنابراین علی احمد خان والی کابل را بعنوان رئیس تنظیمیه سمت مشرقی و قریب ماندان
قوای سمت جنوبی با اختیارات تامه بسط مشرقی فرستادم ، تا این بدبخت ها را
تا جاییکه امکان داشته باشد بوخامت کردار ناهنجار شان هدایت نموده براه راست بیاورد ،
اگر به سخن نفهمیدند قوای عسکری و قومی را بسر کوبی آنها اجازه بدهد . برای
علی احمد خان والی درین هنگامه اختیارات تام داده شده ، هر چه بکند میتواند ، او امر
اروا عیناً مثل او امر من اطاعت نمایند .

فرمان پادشاهی اعلیحضرت غازی امان الله خان بمردم سمت مشرقی که بر علیه وی شورش کرده بودند .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اعلان

بر رعایای علاقه کوهدامن و چار بکار اعلان می شود ۱

بچه سقاو دزد و سید حسین رفیق او که از مدتی زیادی بزدی و مسلمان کشی و قاطع الطریق قیام و اقدام داشت و چندی قبل نزد احمد علی خان رئیس تنظیمه سمت شمالی حاضر شده بقرآن مجید که مومن به ما و شماست عهد و پیمان کرده بودند که آینده پیرامون فتنه و فساد نگذشت به حکومت مطیع و منقاد باشند و باین حیل اصلحه از حکومت گرفته و از عهد کلام الهی گذشته بنی کرده چندی نقری رعایای کوه دامن و چاریکار و اجیر با خود برداشته غفلتا خود را به کابل انداخته بودند و بعد از شکست در باغ بلند استحکام داشتند همان است که از فضل خداوند تعالی و قوه توپ و تفنگ عسکر دلیر و اقوام غیر رشتش کوهی و وزیری و باقی بقوام سمت جنوبی و وردک و غیره اطراف کابل دزین دو سه روز اکثر نقری مذکور به قتل رسیده ما بقی شان فراری شده و پس در کوه دامن داخل شده اند . لهذا حکومت متبوع اسلامی تان در صدد آنست که ریشه این مفسدین را بکلی قلع و قمع نماید تا خلق خدا از شر آنها آسوده و آرام شوند و برای این مقصد یک مفرزه عسکری با اتفاق نقری قومی از مرکز حرکت و آنها را تفتاب خواهد کرد - ولی حکومت سرغنه و بانای این فساد تنها سید حسین و بچه سقاو و همان یکصد نفر معیت آنها را که معاش از طرف حکومت برای شان مقرر شده بود شناخته دیگر تقریرا که همراه شان آمده بودند و بانان و خوراک برای شان داده اند محیور میداند و هیچ بازخواستی از این چنین نقری که بصورت اختیاری بآنها شامل نشده باشند نمی کند - بناء علیه باین اعلان شمارا تسلی داده اشعار می شود که هر کس از رعایای کوه دامن و غیره با اقوام و جماعه از نقری مذکور را زنده بدست آورده به حکومت نسایم کند و یا بقتل برساند نفی نفر چهل هزار افغانی تمام از توپفر سر کرده های شان رفیق نفر چهار هزار افغانی از نقری زیر دست آنها داده خواهد شد اگر بعد از این نقری مذکور بقلعه مردم کوه دامن و چاریکار و غیره جایجا مسکن بگیرد و فوراً بمنفرزه عسکری اطلاع بدهند یا با آنها بعد از این معاونت کرده نقری و یا نان خوراک بدهند حکومت باز خواست سخت از آنها خواهد کرد .

اعلان اعلیٰ حضرت غازی امان اللہ خان بہ مردم کوه دامن و چاریکار کہ دست بہ شورش زدہ بودند.

دریوخت

اعلام احکام جمع محرم و ذی القعدة

بعض رسائید کہ از قدیم الایام با یام سابق

والفكار وبعدها دجوة وشتر معاشم بغير مالها
سكنه

لہذا انہی اصول و اطلاق پر مضمون تالیف فرمائی

جای هم در غرض و غرض ندرشته باشد که از قدیم

الامام من في البيت الحكيم معناه ومعناه

قصه شد که بعد از زوام بدو عارض شد

فرمان معافیت ملا شیرزمان از بیگار حکومتی.

نقل فرمان اعلیحضرت غازی امان الله خان در مورد تعدیل مصوباتش بعد از مخالفت و قیام مردم.

اعلان

برخا طرصد اقامت مظار عاریای عزیزم پوشیده مباد که اولاً بتحریرک سر انگشت دشمنان داخلی و خارجی بعضی از قبایل سمت مشرقی تحت تأثیرات مخالفین این ملک و ملت نا دانسته درآمده و بر علیه حکومت متبوعه خود عصیان ورزیده در نتیجه ضد بیجا و بی سبب با موال و عمارات حکومتی در بعضی حصه های سمت مشرقی و با سبب و سبب ما نیکه در آن موجود بود خسارت رسانیده اندیا در جنگ اشتراک کرده اند.

چون من خوب میدانم که این حرکات فقط به سبب تحریکات مخالفین نادانسته و نا خواسته سر زده است لهذا من هیچکسی را برای این حرکت اراده جزا دادن ندارم و عفو نموده ام یک اولاد هر قدر ابراز نادانی بکند ولی پدر هیچگاه آنها را به نظر دشمن و مخالف ندیده و از خود جدا نمی کند همچنین واقعات انجائی نسبت به تلف اموال و سامان را من به همین نظر دیدم و بشما اطلاع میدهم که شما نا دانسته بدین صورت موجب تقویت اشرار میگردید بعد ازین دست از اینطور جوکاتی که مغل امنیت و اهالی شهرها و محلات خودتان می شود بکشید تا هم خلق خدا آسوده و هم شما به موجب این عفو نامه از بازخواست حکومت فارغ گردید.

دوم: در باب بعضی افواها و شایعات که نسبت به حرکات من و خلاف بودن آنها به شرع شریف در بعضی حصص سمت مشرقی انتشار یافته است و مخالفین صاحب غرض آنها را مستممک خودها قرار داده موجب شکستن اتفاق این ملت و حکومت گردیده اند من محض برای دوباره بهم آوردن این اتفاق که روح و روان و حیات مملکت شمرده میشود بعضی مطالب را که حسب مسموع اسباب هیجان گردیده بود اصلاح نمودم. هر چند مطالب مذکوره در جرگه ها از طرف عموم و کلای افغانستان پیشنهاد یا قبول شده بود اما چون امروز موجب ازدگی و هیجان گردیده است من هر فقره را بصورتی که در ذیل این اعلان می بینید اصلاح نموده ام اگر علاوه برین مواد دیگری باشد آنها را هم مجلس اعیانی که در فقره (۲) ذکر شده است مذاکره و اصلاح خواهند نمود.



۱- مشهور شده است که من نعوذ بالله منه در احترام به خیر البشر علیه افضل الصلوات واکمل التحیات کمی کرده ام ثم نعوذ بالله منها ، من ازين خير انقد رمتاً و غمگینم که از هیچ چیز دیگر در دنیا غمگین نخواهم شد منکه هر وقت در نماز و خراج نماز درودها بروج پرفتح حضرت سرور کائنات می خوانم چطور میتوانم که در احترام آنحضرت صلی الله علیه و سلم ادنا شائبه بخاطر خود را بدهم ، من به ملت عزیز خود تسلی و اطمینان میدهم که من محبت و احترام رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) را سرمایه ایمان و سعادت دارین خود دانسته و شرط اول صادق بودن بکلمه «لا اله الا الله محمد رسول الله» را احترام و محبت به حضرت ختمی مرتبت میدانم این اقوال و احادیث بی سرو پا فقط از طرف مخالفین صاحب غرض و دشمنان این ملک و مملکت اسلامی نشرو شایع میشوند مثلی که با رها به شما یادآوری کرده ام باز بشما خیر میدهم که از مکاید و فتنه و شرارت این دشمنان مملکت غافل نبوده و بر قول هر کسی اعتماد نکنید تا موجب تفرق کلمه ملت نشوید .

۲- (به تجربه پیوسته است که پیشنهاداتی را که وکلای ملت در جرگه ها قبول میکنند با زهم علما به آن اعتراض می نمایند سبب آن بوده است که در زمره وکلا علما را مردم انتخاب نکرده بودند اگر چه برای انتخاب علما هیچ مانعتی از طرف من نبوده است) .

برای رفع این نقیصه چنان چاره سنجیده شد که یک مجلس دایمی در خود مرکز که اقلاً پنجاه نفر عضو داشته و از علمای منتخب و مشهور (که انتخاب آنها را سایر علمای افغانستان کرده خواهند بود) و سرداران و خوانین و ما مورین صاحب اختصاص مرکب خواهند بود تشکیل میشود تا هر چیز را که مجلس وکلا فیصله کند مجلس اعیان فوق الذکر نیز آنرا غور خواهد کرد مخصوصاً اطراف دینی مسایل را تا تمام مطابق احکام شرع شریف و مذهب حنفی باشد . تا مجلس هذا تصویب مواد مذکور را ننماید در معرض تعمیم گذاشته نخواهد شد - در نظامات موجوده نیز آنچه را مجلس مذکور خلاف شرع شریف ببیند اصلاح نمایند . اعضای مذکور معاش معقول خواهند داشت .

۳- قبل ازین نیز تقرر مدعی العموم را در نظر داشتیم چنانچه نظامنامه آن به شورای دولت ساخته شده بود .

حالا که آنرا ملت مطالبه میکند تقرر آنها را تحت یک نظامنامه معین منظور نمودم .

۴- دخترها شکره در کالج برای تعلیم فرستاده شده اند بخالد بعضی ها



رسیده است که آنها به مالک غیر اسلامی فرستاده شده اند حاشا و کلا! آنها در مالک غیر اسلامی ترفه فقط در ترکیه برای تحصیل طبابت مخصوص زنان که در وقت ضرورت زنهای مسلمان مجبور به علاج از طرف طبیب های مسرد نباشند ارسال گردیده اند مکتبی را که آنها در آن درس میخوانند خود من بالذات دیده ام مکتب مذکور در ترکیه مخصوص تعلیم زنهایست. طالبات مذکوره به زیرنگرانی خصوصی عیال سفیر افغانی در انقره غلام جیلانی خان پسر سپه سالار مرحوم غلام حیدر خان چرخ میباشند. برای مشارالیهها تعلیمات مخصوصی داده شده است که مراقبتی که برای طالبات با عفت و با عصمت افغان لازم است بر آنها داشته باشد.

چون این مسئله در نظر عموم سوء تلقی شده است و گمان میکنند که آنها در مالک اروپا بصورت ها نیکه برای خانمهای افغانی نامناسب است اما راحیات میکنند لهذا محض ممانعت از سوء تفهم و نیز تشتت و تفرق کلمه ملت آنها را پس خواستیم.

۵- (نظریه من در باب علمای دیوبند که ورود آنها را در افغانستان ممنوع قرار داده بودم بجهت آن بود که از خود مواسسه دیوبند ضرری ملحوظ نبود. بلکه بعضی از دارالعلوم مذکور بنا بر تابلدی احوال این مملکت الهیه اغراض صاحب غرضان گردیده بنام تعلیم یافته دیوبند و نشر مذاهب و مسالک مختلفه مثل قادیانیها درین مملکت نموده وحدت ملی و مذهبی افغانستان را اخلال می نمودند. لهذا جلوگیری از آن شده بود.) چون این مسئله هم موجب آزر دگی و سوء تلقی گردید من منظور نمودم که من بعد علمای دیوبند با شهادت نامه دارالعلوم مذکور به افغانستان مثل سایر علمای دیگر وارد شده بتوانند.

۶- قبل ازینهم چنانچه مجلس علمای قندهار نیز اعتراف دارند در ماده ۲۰۴ الی ۲۰۸ نظامنامه جزای عمومی بای رشوت مجازات تعیین شده است.

حالانیز دقت مخصوص برای اجرای جزای مرتکبین آن خواهم کرد. و چون مدعی العموم ها حسب ماده ۳ تعیین میشوند آنها نیز مراقبت خواهند کرد.

۷- در مسئله ستر در لوی جرگه امساله چنان فیصله شده بود که حکومت اشخاص و طوایفی را که مثل کوچیها و غیره عادت به برقع و ستر ندارند اجبار به پوشیدن برقع نکنند و نیز شهری را که مجبور برقع حجاب ننماید. من نیز

همین مقررات جرگه را عیناً تعمیل و پیروی میکردم تنها به موجب فتوای بعضی علما که به استناد آیه کریمه (ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها) جواز داده بود فقط چند نفر دست و روی خود را نمی پوشیدند .

چون بعضی مخالفین صاحب غرض این مسئله را بزرگ نشان دادند که گویا من جبراً روی خانمها را برهنه ساختم و همچون تولید سوء تفهم نموده است و بد تلقی گردیده من تماماً ممانعت نمودم که هما نقد دست و روی را نیز برهنه ننمایند و موی های خود را نیز قطع نکنند و نکرده اند .

۸- (تدریس به شرط شهادت نامه مشروط گردیده بود . مقصد من بود که اینکارها نیز به اهل آن سپرده شده هر کس تحت نام مدرس موجب گمراهی مردم نشود) . شرط شهادت نامه تدریس برداشته شد .

۹- (اخذ عسکر که از روی نفوس کرده میشود و برای قرعه عسکری نفوس شماری گردیده تذکره داده میشود مقصد آن بود که تمام افراد ملت به خدمت عسکری و حفاظت مملکت خود قیام داشته و شامل باشند) .

چونکه اهالی به آن راضی نیستند آئینده نفوس شماری و توزیع تذکره را موقوف کرده اخذ عسکری بصورت قومی از روی تقسیم کرده خواهد شد .

۱۰- (در خصوص جزای شراب نوشی مخالفین و صاحب غرضان چنان اشاعت داده اند که حکومت بقصد از جزای شراب نوشی اغماض میکند حالانکه خود من بالذات ازین مضرت عظمی جلوگیری به هر رنگ کرده و احکام و اوامر نظامات موجوده بشدت تمام جزای شراب خواران را حکم نموده است) .

حالا چون محتسبین منظور شدند هر کسی را که محتسبین به این جنایت گرفتار بیابند البته سزا میدهند و خود من هم بالذات آنرا مراقبت جدی می کنم که در بارخواست آن تساهل نشود .

۱۱- (در باب محکمه احتساب حکومت غفلت نکرده ولی برای اینکه خود احتساب هم با شرایط و ارکان اجرا شود ضرورت تالیف یک کتاب بزبان فارسی بوده است . چنانکه کتاب مذکور در زیر تالیف است) .

در هر حکومتی یک محتسب منظور شد که تمام اوامرونواهی شریعت را دقت کرده شرعاً جزا بدهد و تا تعیین صورت انتخاب محتسب فوری از طرف خود علمای محلی بکنفرکه اهل این کار باشد انتخاب شود منظور است که بموجب احکام شرعی در مسایل تعمیل اوامرونواهی دقت و مراقبت کند و مطابق شرع شریف جزا بدهد .

۱۲- (در باب تعطیل جمعه به پنجشنبه نظریه من این بود که به سبب تعطیل و

رخصتی ما مورین و طلبه در روز جمعه اکثر خارج شهر ب دیگر امورشغال بوده و به صلوة جمعه حاضر نمی شدند چون رخصتی جمعه به پنجشنبه تبدیل شد نفیری مذکور همه به نماز جمعه مرتب حاضر می شدند و این تبدیل هم بموجب فتوای علما شد که در روز جمعه کار کردن را جایز دانستند و بساعت نماز تمام پولیس ها بمثل محتسبین ما مور بودند که دکاندارها و تمام مسلمین را برای ادای صلوة جمعه به مسجد سوق بدهند.

چون این مسئله هم اسباب آزردهگی بعضی ها گردید رخصتی پنجشنبه پس بروز جمعه تبدیل نمودن را منظور نمودم و بروز عرفه نیز من بعد تعطیل خواهد بود.

۱۳- (نسبت به برقع چین دار نیز که به برقع قندهاری یا شامی تبدیل آن مناسب دیده شده بود).

قید مذکور را لغو نمودم هر زن میتواند که چادری چین دار نیز بپوشد ولی لباس اروپائی نباید پوشید.

۱۴- (در باب مریدی و پیری نظریه من چنان بود که تنها عسکریها (افسر و سپاهی) باید در وقت مرید شدن از من اذن بخواهند که ما ثرمردم).

چون این مسئله چنان تعبیر شده است که که من قطعاً پیری و مریدی را منع نموده ام لهذا من شرط استیذان را که محض برای نظا میها بود نیز لغو نمودم.

۱۵- (در باب منع ازدواج طلبه که دوره تحصیل خود را پوره نکرده باشند فکر این بود که تأهل مانع تکمیل تحصیلاتشان میشود).

حالا که این مسئله هم درست فهمیده نشد این قید را نیز برداشتم.

۱۶- (مکتب مستورات به فتوای علما تأسیس شده بود).

ولی در حال تا مجلس وکلا و مجلس اعیان مندرجه ماده (۲) که ترتیب صحیح آنرا میسر از مشغول تنظیم آن شوند معطل باشد همچنان ریاست حمایت نسوان.

۱۷- (منع قرض برای آن بود که موجب دعاوی زیاد و موجب پیش خورگی و خسارات ما مورین دولت میشود و بعضی ما مورین یک گونه صرف نفوذی هم در گرفتن قرض می نمودند).

چون اینهم سوء تلقی گردیده است مانع آنرا االفا کردم.

۱۸- (در باب لباس چنان فهمیده شد که این حکم برای هر کس و جبری بود است. این حکم تنها برای شهر کابل بوده افغانستان).

چون این مسئله موجب زحمت و آزرده‌گی مردم دیده شد منظور نمودم که: قید لباس برای عموم رعایا نباشد و به هر طرز و قسمی که پوشاک جائز شرعی بپوشند و استعمال کنند جایز است.

بعد ازین همه ایضاً جات و اصلاحات و رفع شکایات می‌خواهم به شما واضح و صریح بگویم که مقصد من از تجویز این تعدیلات شخص خودم نیست من اهمیت به پادشاهی خود نمی‌دهم بلکه مقصدم با زحمت خدمت به ملک و ملت عزیز خودم و بدین واسطه تحمیل رضای الهی جل جلاله است.

اگر مردمیکه رخنه در اتفاق ملت و دولت خود انداخته اند با وجود خواندن این اعلان دست از مخالفت نکشند مسئولیت نتایج وخیم و اسفناک که بخودشان میرسد و بدولت میرسانند در دنیا و آخرت بدمه؛ خودشان خواهد بود. آنها نباید چنان فکر کنند که ما بدولت ضرر رسانیدیم بلکه این ضرر و خسارت عیناً عاید بخودشان به ملتشان و به مملکتشان و به عالم اسلام است. چنانچه من هم ضرر و خسارت بسیار زیاد به این گونه مردم که سر مخالفت بلند کرده اند رسانیده میتوانم ولی تا حال هیچ تعرض به ایشان نکرده‌ام بلکه هر جا حمله و تجاوز از طرف آنها بوده است سبب آنهم این است که من خسارت آنها را عیناً خسارت خود میدانم مسلمان کشی و تباهی اسلحه و جبهه خانه که برای دفع شرکفا رتبه شده بود من هیچگاه روادار نیستم لهذا هر چه در باب تسلی شکایات ممکن بود چنانچه درین اعلان دیدند نمودم.

در آخر بایات کریمه قرآن عظیم که میفرمایند:

و اعصموا بحبل اللہ جمیعاً و لاتفرقوا و اذکروا انعمت اللہ علیکم اذ کنتم اعداء فالق بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً . ولا تكونوا کاذبین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءتهم البیات (پاره ۴)

و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاملحوا بینهما . فان بفت احدهما علی الاخری فقاتلوا الی شفی حتی تفی الی امر اللہ .

انسا المؤمنون اخوة فاملحوا بین اخویکم و اتقوا اللہ . سوره حجر
یا ایها الذین آمنوا اذا ضربتم فی سبیل اللہ فتبینوا و لاتقولوا
لمن القی الیکم السلام لست مؤمناً (پاره ۵) . و من یقتل مؤمناً متعمداً
فجزاؤه جهنم خالدافیها و غضب اللہ علیه و لعنة و عدله عذاباً عظیماً . (پاره ۵ رکوع ۹)

پادآوری می‌نمایم (من تا امروز هر چه کرده‌ام برای ترقی شما ملت و به نیت خیر شما بوده است . هیچگاه آرزو نداشتم و ندارم که خلاف دین اسلام و شرع شریف کار بکنم . حالاً هم برای

برداشتن تفرق و اختلاف یک دقیقه و لستمطالبی را
که سو، تفاهم واقع نموده است بصورت های فوق اصلاح
نمودن را منظور نمودم. امضا

امان الله

از طرف علمای عظام و سردار

ما حبان فخام و خوانین کرام

دارالسلطنه کابل

برادران با غیرت ملت افغانستان !

چون بنا بر سو، تفاهم که در بین قطعه، ملت و دولت افغانستان نظر
به اجرای بعضی مسایل واقع شد که آنهم اکثریت از تصویب مجلس لویه جرگه
ملت بود و نتیجتاً اجرای آن مسایل موجب هیجان بعضی اقوام سمت مشرقی
و غیره گردیده که بدبختانه در اکثر نقاط معامله به حرب و جنگ انجام مید.
این خدمتگاران دین مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
وسلم و فداکاران ملت نجیبه، افغان از این اختلاف مابینی حکومت و ملت
که نتیجه بجز خساره، ابدی که تلافی نفوس جوانان رشید این ملت، پول
بیت المال و کارتوس و ادوات حفظ وطن از اغیار ریز دیگری نبوده و حالت
حاضره تأسف آورما ضد عمل را بر آیه، کریمه، (و اعصموا بحبل الله جميعا
ولا تفرقوا) نشان میدادمتأثر شده ببیانیه، فوق که از حضور ذات شاهانه به
این خدام دین و دولت قرائت شد که مل موجب اطمینان دیده لهذا بوظیفه،
ایمانیه خودها بموجب آیه، شریفه، (وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا
فاصلحوا بینهما) عمل نموده بعد از اینکه اعلان پادشاهی با تعهد ذاتی
آن به تردید و مطرودیت مسایل مذکور که ظاهراً موجب اضطراب ملت دیده می
شود ما در شد شرعاً و ایماناً و عقلاً این قیام و دوام مخالفت آنها را بر علیه
حکومت جا نزن دانسته هدایت شرعی و اسلامی میدهیم برای آنکه چون هیچ
شبهه شرعی را از طرف خود و شما ملت بعد از نشر اعلان هذانی بینیم که اسباب
نزاع ملت با حکومت باشد می باید اطاعت پادشاه خویش را مطابق به آیه،
عظیمه، (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولو الامر منکم) نموده مملکت و
ملت را از این خساره و تلفات جانی و مالی و خجالت دشمنان خارجی و ارها
نیدتا موجب خسران دنیا و آخرت شما نشود. یوم پنجشنبه ۲۸ شهر رجب
المرجب سنه ۱۳۴۷ هجری قمری . امضای علمای روحانیون و بزرگان اقوام

حکیم شریف علی

۲
اسد و از خان محمد بنده که در سوخته

کافور شمس و سولید ملک طایفه لنده شیر خانہ خدو
طالع

بعد و انہام ملد میر ولی مقرر فرمادہ لہذا کہوں

رضی عنہما حکم زلف نام کہ سو ملک مالہ بتقدیر

طایفه مزبور بدو است احد از دریا، طایفه مزبور از دریا و صلح

برون نوبت و مالت که روز قرار است

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is written in a cursive style and includes a large, ornate initial 'L' (Lam) in the upper right corner. The text is arranged in several lines, with some words appearing to be part of a larger phrase or sentence. The handwriting is fluid and characteristic of classical Arabic calligraphy.

و کتب

بسیار که مناصف آن یک روپیه

از بابت ایاد کار و منگی مدتی زمان

قرار تحصیل حکومت و معرفت و مناصف و اصل و عیال

باید از آن مقدار سال سال صندوق

ابو اجمعی نیز انعم صندوق دار گردید صحیح است

تحریر فی یوم شنبه ۲ شهر رجب ۱۲۳۰



بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

چون شرح واریج در برتبه شیر شاه صفی قلم و کعبه قلم خطبه در برتبه شیر شاه صفی قلم
قلم بجا هر دو فروغی بر حدیث بصیرت افروزم و ملک عالم آن عزیز خانیس در خط و این
در جمعه اسیر شیر و تاجیر قلم و کعبه قلم در درویش زینت قرین الهی و در خط و کعبه قلم
بر وجهی که بر کعبه قلم و کعبه قلم در درویش زینت قرین الهی و در خط و کعبه قلم
فردا در باریک باشد و قبول الله تعالی کرامت و در خط و کعبه قلم



قواعد و آیین نامه

- ۰ چون بمرحمت حضرت الهی و تأییدات دین رسالت پناهی به خلع امان الله مغرب دین که یگانه آرزوی ما و شما بود موفق شدم از بدو جلوس خود اجراءات نامشروع او را ممنوع نموده ام برای آگاهی شما غیرت داران دین حضرت سید الانام فیلاً مینگارم.
- ۱ :- سلام که از طریق مسنونه است و باشاره کلاه رواج داده بود مطابق سنت سنیه امر دادم.
- ۲ :- دستار که از طریق و سنت آنحضرت است و ادای نماز بان کامل میگردد موقوف کرده بود حکم دادم که بالکل دستار رواج باشد.
- ۳ :- البسه اسلامی که ترك شده بود بر حال دانسته مشابه کفار را منع کردم.
- ۴ :- ترك ستر را که حکم کرده بود مسترد کردم.
- ۵ :- برآمدن زنان و دختران باله را بدون اجازه ولی شان و مکتب مستوراترا موقوف کردم.
- ۶ :- قطع ریش و پروترا موقوف کردم.
- ۷ :- مکتب انگریزی و فرانسوی و جرمنی را موقوف کردم.
- ۸ :- فرستادن دخترها را که در خارجه نموده بود چون بدناموسی ملت بود جایز ندانستم و آنها را خواسته دیگر فرستادن را قطعاً ممنوع نمودم.
- ۹ :- آنچه کوشش برای ترقیات دنیای دو روزه بدون ملاحظات دینی داشت و از آنها ضرر دینی بظهور میرسد ممنوع نمودم.
- ۱۰ :- استخفاف علم و علمارای نمود و برخلاف آن احترام شان شرعاً واجب است.
- ۱۱ :- تفاق اندازی که بواسطه ترك مذهب و خرابی عقیده خود در اسلام انداخته بود برطرف نمودم زیرا تمام رویه را بر طبق مذهب حقی نمودم.
- ۱۲ :- حساب هندسه انگریزی را که رواج داده بود موقوف کردم.
- ۱۳ :- سه قری را که به شمس تحویل داده بود موقوف کردم.
- ۱۴ :- روز جمعه را که به نجف تبدیل کرده بود متروک ساختم.
- ۱۵ :- حقوق بیت المال را بمخواهشات نفسانی خود صرف کرده معارف ملا و مؤذن و مساجدرا قطع کرده بود جاری ساختم.

- ۱۶ :- امر معروف و نهی منکر را که مانع شده بود رواج دادم .
- ۱۷ :- حضرات مجددی را که پیشوای اسلامیان است محبوس ساخته بود رها ساختم که تلقی دینی نمایند .
- ۱۸ :- شراب خوری را که رواج داده بود بالکل موقوف کردم .
- ۱۹ :- ملا عبداللہ خان مرحوم سمت جنوبی را که در راه سربازی دین مقتول ساخته بود امر دادم که مرقدش درست و آباد کرده شود
- از نژده فقرات فوق نمایان را اطلاع دادم که مستحضر باشید و علاوہ از فقرات فوق الذکر مراعات اہالی را بقدرات ذیل نیز نمودم :-
- ۱ - بخش باقیات سال ہای ماضی الی اخیر ۱۳۴۷ کہ از قسم مالیاتی بر ذمہ رعایا و ملکان باقی مانده باشد .

۲ - ملازمت نظام خوش برضاء بمطابق مہوارہ بیست روپیہ و چہار سیر غلہ و سال دودست درختی و یک جوہر بوت .

۳ - معافی اضافات مالیاتی از قبیل طاری و سرک پل و باقی وغیرہ .

این ہمہ تکالیف خلاف شرع شریف را ممنوع کردہ مالیہ حقہ اسلامی را کہ شارع حکم دادہ منظور کردہ ام و در آسودہ حالی احوال رعایا چنانچہ باید و شاید کوشیدہ و میکوشم و تمام اجراءات مملکتی را بر طبق جواز شرع انور نمودہ می نمایم و از نمایان خواہش دارم کہ بیعت ہای قومی خود را کرفتہ باعزہ و اشراف و سادات و علما و خوانین و ملکان بحضور والای ما حاضر شوید کہ علما و سادات بمکافات خوبہ نایل و خورسندی حضورم از شاہان و اہل بیت و ضیفہ و مستری سادات و خوانین را بقرار بست سلطنت امیر شہید حکم منظوری



فرمان حبیب اللہ خان مشہور بہ (بچہ سقو) کہ مصویات دورہ امانی را ملغی قرار دادہ است.



اعلان پادشاهی

برخو اطراف و اقوام قندهاری مقیمه عرض راه غزنین الی قندهار پوشیده مباد! بر شما خوبتر هویدا است که امان‌الله از طریق شریفه دین احمدی (ص) منحرف و ترویج امور کفریه و تباهی اهل فضل و دین را اقدام نموده چون خدا حافظ دین و خون شهدای این راه مثل حاجی ملا عبدالرحمن رئیس تمیز که یک عالم علامه جید حقانی بود و امثالهم هدر رفتی نیست هاما از مشرق و شمالی غوغا برخواست از نقطه دین بمقابله امان‌الله بیدین محرب دین کمرها بسته و این خادم دین نبوی (ص) رشته فدویت دین را بگردن انداخته در شاهراه و جاهدو فی سبیل‌الله در آمده و بتائیدات ایزدی امان‌الله باهمه جاه و جلال چون قهر و هیبت خداوندی باحوال کفر منوالش نزول نمود خلع و فرار خود را اختیار کرده و بعنایت الهی سلطنت بشخص این فداکار دین اعطاء و بانهدام و محو امور غیر دین پرداخته و رفاه برادران دین خود را مطلوب یگانه داشته چنانچه رفع امور غیر مشروعه و سهولت برادران اسلامی ام را که جریان داده ام از ملاحظه اعلانات شما دانسته شده باشد و سلطنت اسلامی الحمد لله قائم است پس طرفداری شما بجانب امان‌الله از چه حیث خواهد بود اگر از نقطه استحکام سلطنت بشخص امان‌الله و یا عنایت الله بمجاهده را اختیار میکنید همان است که نظر به ناقبولی تمام اقوام که او را از جاده دین منحرف و برخلاف دیدند و برای خود او هم محقق شده خود را خلع ساخته و جلوس عنایت الله را در بین آورده چون حق بجای خود قرار نمیکرد او هم در قرآن مجید برایم بیعت داده که جهت استحضار شما درج و تشریح شد و باحسان الهی سلطنت به بیعت کثیره اقوام افغانستان برای این خادم دین قرار گرفت و اجراءات مطابق احکام قرآنی جاریست آیا هر چه و مرج شما اگر از نقطه دین است پس ملاحظه بدارید که سلطنت این خادم در زیر سایه جاهدو فی سبیل‌الله قائم است شما چرا در تأخیر و شمول وقت خود را می گذرانید و اگر باستحکام سلطنت امان‌الله است فوقاً تحریر شد که تمام افغانستان از بیدینی اوقهور و خلع اونیجه داده شخص مخلوع دوباره پادشاه شده نمیتواند و بنیر من جمیع مسلمانان او را قبول دار نیستند اگر شخص عنایت الله باشد برایم بیعت داده اگر برخلافی بیعت خود را بکند خسر الدنیا والاخره و برای اینطور شخص قوه دادن بجز خسران چه خواهد بود و اگر شما باین همه محض به برخلافی سلطنت اسلامی خود برآمده و به پای مالی دین اقدامات داشته دوباره ترویج امور غیر دین را منظور دارید یا نه؟ در زاویه خسران و ضلالت ابدی بوده بجز برآدی و تباهی دیگر نمره نخواهد



اعلان حبیب الله مشهور به (بچه سقو) به اقوام غزنی الی قندهار که بطرفداری اعلی حضرت غازی امان الله خان مصروف جنگ بودند



اعلان سرکاری

به برادرانم اهالی ولایت کابل و باقی هموطنانم خطاب می کنم :

حکومت عادلانه اسلامی نان محض برای رفع حوائج و انجام مقاصد مشروع شما ملت عزیز، از همه اول تر به افتتاح دوائر حکومت پرداخته، محکمه شرعیه، و وزارت خانه ها و ولایت کابل را تشکیل کرده است، مقصد از تشکیل و افتتاح دوائر موصوفه این است که اهالی اولاً بدوائر متعلقه کار خود را مراجعت کرده اجرای مرام خود را بخواهند تا دوائر مذکور بحسب اختیارات خود به انجام مقصد عموم پرداخته و زیاده از اختیارات خود را از حضور سر رشته حاصل کنند مگر در اینقدر مدت باوجودیکه از یکطرف بکارهای مهم مملکتی و مسایل عمومی شما هموطنان عزیز مصروفیت دارم. از دیگر طرف عرایض شما که اول به اول بحضور من میرسد و بمطالب آن که دقت می کنم بجز استدعای کار و دعوی حقوق و که عموم آن بوزارت خانه ها و محاکم عدلیه و ولایت کابل تقلید دارد مقصودی دیگر بنظر نمی رسد؛ گویا مصروفیت من بمطالعه همه عرایض بجز ضیاع وقت و تعویق اتقان در کارهای مهم مملکتی چیز دیگر نیست، لهذا برای استحضار خاطر عامه به اعلان هذا خبر دادم تا بعد از این نسبت بحوائج خود ها اولاً بدوائر مربوطه کار خود را مراجعت نموده اگر از وزارت خانه ها و دیگر دوائر در اجرای کار شما معطلی بهم رسیده و جواب نگویند بعد مجازید که عرایض خود را را داساً بحضور این خدمتگزار ملت بیاورید تا جواب گفته شود. تخمیر ۷ عترب ۱۳۰۸

طبع عمومی سرکاری - کابل *زلف و کل شانه*

فرمان اعلیحضرت محمد نادرشاه در باره افتتاح مجدد دوائر دولتی



ثبت
مخبران



تذکره نفوس و اشیاء مستغنیة افغانیة

اسم و شهرت	نام پدر	عمر	مسکن	قوم	صنعت و خدمت

چهارم

قد	جنم	رنگ	موی	علامت فارقه

شخص مذکور که اسم و شهرت و حال و صفتش در بالا مذکور گردید، تابعیت دولت
علیه مستغنیة افغانیه را دارد این تذکره نفوس باو عطا گردید تا شناخته شود



در حله افراد کزور رعیت دولت علیه مسئله افغانستان لازم و ضروری است که تذکره نفوس را بگیرند تا از افراد تبعه دولت علیه مسئله افغانیه شنوده شوند - اگر شخصی تذکره خود را مفقود نکند در تمام عمرش يك تذکره کافی است - اگر تذکره اش مفقود شود ضرور است که مجدداً آن را بنماید - اگر در جبهه شخصی بی علامت فارقه از باعث حادثه یا مرض یا سوخته گی پیدا شود و از سابق نباشد لازم است که فوراً علامت مذکور را در تذکره خود بحضور کلاته یقریه دار خود تصحیح کند - اگر شخصی از عمل سگواره اصل خود نقل مکان نماید ضرور است که کلاته یقریه دار محل سابقه و جدید خود را اطلاع نماید - هرگاه شخصی تذکره نفوس خود را داشته باشد در داخله مملکت علیه مسئله افغانیه بدون راهداری آزادانه سفر و تردد کرده میتواند - هرگاه شخصی خیال سفر و رفتن خارج مملکت را داشته باشد از اداره های کوی توالی پساپورت بگیرد - اگر شخصی تذکره نفوس نداشته اعتماد دولت در امور ذیل بر او نخواهد بود و مرض او شنیده نمیشود :-

(۱) در فروش و کثرت کردن اشیای متعلقه دولت نفوس - و یا و کلتا از جانب شخصی -

(۲) در شنیدن دعاوی حقوقی و مضاربت در محکمه جات عالیّه شرعیه یا اداره های حکومتی دولت علیه مسئله افغانیه

مسئله افغانیه

(۳) در عقد نکاح با طلاق یا شهود - یا وکیل دعوی از جانب شخصی -

(۴) در داخل شدن ملازمت دولت -

(۵) در گرفتن پساپورت - (یعنی راهداری رای سفر خارجه)

(۶) در گرفتن قاپوی دیگر -

(۷) در داخل شدن به مکانهای -

(۸) هرگاه شخصی از دولت خارج ملازمت و یا رعیت علیه مسئله افغانستان داشته باشد

تذکره را لازم است که تذکره افغانیه را بگیرد -

تبلیغ او امر اسلامیه و افکار خیر اندیشه فقیر تگاب بعموم اهالی افغانستان

الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن، و اعاد الينا السرور و ازال الحزن، و ازال الحروب و التهور و القتل، من الامصار و البلاد و المدن و ورود الاياد و الاشراف الى هذا الوطن، و وقهم الله لافلاح البدع و احياء السنن، و الصلوة و السلام على من بقى به الطائف و المن، محمدن الذي وعد باليه لمن احب منه السنن و على آله و اصحابه المتخلقين بفلاحه الحسن.

بعد از تحمید قواضی تعجید حضرت خداوندی جل و ذکرة که اطاعت با برکت امرای و شاهان اسلامیه با عبادت حکم آیه و اقل مدایه واجب الاذعان (و الطیوفا و الطیوفا رسول و اولی الامر شکم) بر فرض طواف بی نوع انسان واجب و لازم گردانید و وفات طای سبک امر خوارا حکم مناسبت قرآنی سکه (و دلاوه اجماعی خلفه) فی الارض فاسکن من الناس بالحق (خلاف و تواب فاته اقدس خود فرمود !!

و پس از تشبیه اقبال ناخوشای حضرت و سالتیاهی که بر سلطنت و ثابت شاهان فزین در اخبار حسیه و آثار فیضیه تا کید آید فرموده که بر ناسخ غنائی و نمره از روی فرمان واجب الاذعان لوهان و عید حدید فسموه: بعد از آنکه آن فرخنده سال و اصحاب با کلبی که در ده اوقات در محصل ترین به سنن و آداب آن طایفه بای سامی و کوهان بودند، میگوید بفرموده درگاه و عاب فقیر تگاب اینکه :-

مدار سادات دارین (که آن عبارت از خزان و عبود مقلد الکونین اوست) الله الهی الامین آمین ثم آمین (بر سرعت و اطاعت (ما سر به و نهی) و شوق و مربوط می باشد - و این عیبه های زیبا و دقیقه کمی خوشایند اطاعت (ما سر به و نهی) موقوف بر فراغت خاطر ظاهر - یا در آن عبود اسلامی ماست.

چون این لطیفه اوجند و کبریت احسن دلینند پس فراغت خاطر مرد و زن موقوف بر وجود شاه صلاحیت آگاه می باشد پس اگر باطن حق الامکان نظر و رعایت از ناخیم و بداعت و اذیع میبود که آن سادات مکرمات موقوف بر یاد راه رفت بیکه دانات آگاه می باشد.

و هم هیچ نرسد از انفراد مان نیست که فلاح و طبیعت خواسته اند آن سادات فوق ذکر نباشد و پس چطور می قتل ابد و کم مشور سفا باشد که به وجود شاه علم الذیض و لوا الاقبال صدر اهل دین و عباد الابرار خود ستم ننهد و مکر اوداعه آن سادات شوارات و نداد (نمود با الله)

اگر لیل و نهار و سر آوجهرأ متوجه این است عطش و کوشش بی بهایی به فکرانه وجود چنین شاه دانات به صرفان آگاه (اعظم امیر) محمد نادر شاه افغانستان (شوم از هزار یکی و از بسیار آید که راه انداز کرده بی توایم و لیم منقل فی شاه -

شکر ایزد را سکه مارا در زمین آخرین داد شاه مایل و دانا محب صالحین سکنر ظنل عت علیی اوهد بر طرف هیچ و سرچ حرب و تب از سکان این زمین تا ترین و دایرین وجه ملت شاه مان بتکرون بکلم و زهر شاه صد آفرین که ملت خادان لب خندانی بود در موهجان سب براد تو زبان بر سیوف طنانین نیک خواستار ترا دولت بدم و محبتا هر که بد خواه تو باشد شوار یاد و دل حزین ستارون و رجز لای و ناخیم سکت حنا از کمال عشق ترسان و از دل در کین

علای خلوص آگاه و اعموما و اهالی جزوقیل را خصوصاً که خلفاء و مانورین این شاهان می باشد اطلاع می شود که درین زمین موجود امر معروف اتحاد بین السلین و و صلاح آوردن فساد و جنتین رعدا و ان غلین نصیحتاً و الا بحکومت علی تسلیم نمودن و بیانات و اثبات اطاعت چنین شاه شریعت چنگاه را از اهرام الامور بداند و فرة در راه این اصلاحات قصور نه ورزد.

زیرا که امن و ررة عین عموم امن اسلام به تعقیب همین نظر منوط است چنانکه ما و شایسته سر خود در زمین غایب حبیب الله بدیم که از سبب سوزدات و خست لولک و خسران کونا گوند و شایه های و قلمون دینی و دنیوی پیدا شد و درین عصر دانات سر نادری همه آن خراوات و ستام مدفع گردید.

ذات عالی این سلطان شاه علاقه بر حقوق الوالامری و سلطنت چنین اوصاف حید و اشتقاق حن در وجود ظهور و نوبی دارند که سلوم و هو داست :-

اول به کمال دانات و صلاحیت و عقل سلیم و نیروی شریعت شاه علم الذیض و المناهده این فقیر علم دارم

دوم اینکه همه امر این خاندان بجهت در خدمت صادقانه رفیقان افغانستان مصروف شده تا که به توجیه و کوشش آفرین شاه و وطن مقدس افغانستان از بد نظر آن طایفه و سارقان که ماملت عاجز از خلع آنها با یوس بودم صادر و یکیزه شد. سوم اینکه قوت و تالی لکین و زده الدارین خودوما جنت مان صاحب باران تگاب که مقدار حقیقت و مرشد طرقت ما و تبا بودند و بنور کمال ایمانیت و ولایت خود از کمال صلاحیت این خاندان طایفه مطلع بود از خدایان فی نیز و کرم کار ساز سلطنت اعلی حضرت شاه افغانستان امیر محمد نادر خان را در خواست می نمود

مردان را لازم است و واجب که مطابق رفتار هینج خود گردان نمایند و در عین حال این فقیر و خیرخواه همه عالم اسلام را که شایه او را بدوست و دشمنی خود میباید اگر خود را خاساید کمین هم خالصانه بواسطه حقوق لازمه به نصیر ارشادهای فوق اذ کر شایا امر و هدایت میبکند تا به کوشش و سی نام در اصلاحات مملکت و تبلیغات و راه مامه ملت مرخص مقدور خود را مصروف و مبذول گرداند پس علای بی بیاضت لانا و علای افتدای قولاً و عملاً و عامه ادب ثروت دلا و جوانان ملت خدمت کوشش های بالغ در راه اطاعت حکومت و امنیت مملکت و ترقی ملت ارازا نماید تا که بین الملل تقیه خدمت ما مسلمین مسرور و خندا تا خواست شرمند کفشار بی مقدار نشویم بلکه بیون خدا از سی و غیرت شایه در جین ملل و دول روی زمین به نام نیک یاد باشیم

علاوه بر خدمات فوق ذکر که لازم که ما عموم ملت دعای خیر بخوانیم یاد شاه مسلم اسلام تمام داشت باشیم زیرا که در کتب معتبه ما منقول است که به دانا آن مفروضان: دانا الاغان و دانا السلطان یعنی دودا و برامه صلیمان فرض است: اول دعای سلام ایگان ا دوم دعای تحت سلطان صلیان و السلام علی من تبع الهدی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد از علامت يك و كوم قرآن مكنيه

منزلہ !

[illegible]

12

[illegible]

با این تزلزل رای جاوآذ رفی را چه سب بود ؟

این بر سر آن قرار داد که هر یک از طرفین در صورت بروز هر یک از موارد زیر که در جدول زیر آمده است، طرفین توافق کرده اند که کلیه خسارتها و زیانها را به طرف مقابل بپردازند. این توافق نامه در دو نسخه تنظیم شده است و هر یک از طرفین یک نسخه از آن را در اختیار خواهد داشت. این توافق نامه در تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۱ در تهران منعقد گردید و در دو نسخه تنظیم شده است و هر یک از طرفین یک نسخه از آن را در اختیار خواهد داشت. این توافق نامه در تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۱ در تهران منعقد گردید و در دو نسخه تنظیم شده است و هر یک از طرفین یک نسخه از آن را در اختیار خواهد داشت.

[illegible]

اندره بفرموده من که لاقتضا ضرورت دارد از کوزه که حکم مریدان را میسر کند و از آنجا که من است که این کار را بفرموده من که لاقتضا ضرورت دارد از کوزه که حکم مریدان را میسر کند و از آنجا که من است که این کار را

سرفروخته دیگر ملک را به سبب زلزله و آتشین موجود حمله ۱.
اگر ابروه این احسن و صحت عالی که برای علت افساد و سبب ۲.
و این وطن خود خدمت نکرد خواص بود، بلکه شایسته خواص بود

چون من خود را خوار و خوار خلقیت خود ندیدم و دیگر آفرود خادم غیر اینکه بخود و حق خود مدح و شهادت صادق اعلا و انبیاست متذکر نیام از آن سبب با وجود مشکلاتی که
بر من بود و کمالات او انقلاب پیش خود خواست که با تمام توان و کسوت انصاف و بی‌پاساس صحت و تکلیف کرده گفتم که شما بخواند برای این وطن و مردم و کتاب که در خدمت این ملت نشسته‌ام
و بخیر و سلامت سبب دان کرده

برای این شصت کارگاه سبک میانه تنخواهی خدا را مستحب و ضرور دانست طلب نمود آنان آرزوی این خود را که برای دله و آفرینش گردم و دنیا ظاهر سزا و دست
خواری می دانست که بر خاندان خود جز این امر حاصل نمیگردد امروزه سلسله برای این امر تعلیم و تداوم کار اگر این عمل نیاوردند درستی استنباط نمودند فرق استقامت
حاجز دله برای وطن و حکومت کن حاصل میشود .

میلگرام خورای مل که دوی این درد و کدک سلامت است در اسفند و سحر و جمعه باشد و صبح صافی را که خورای مل در اسلام وقت دانه باشد
الطیفة که امروزه بی قی و حد حاکم در خدش خود داده بودم کلیل عدم و رای این شده با امروز این جهت خنجر میانه و شکر یکبار که حرفی بگویم بخت اسیلا و
که کلیل را و کدکست عدم بود پس این نام نام د.

صدا و سی و بی و شش نفره که میباید با کشتی برای رسیدن به لاد و کلا و اصول اغلب قبایع صورت دست قریب جدید اخلاص و بشا صورت کاید که این قوم اول

نشان از جانب جامعه ملی افغان

جلد (شانزہ) د

- 14 -

۱۰ ورق اول

این ملت از راه دیانت داشت غیبت با دول سماوی و مصلحتی عزلت و ایما ^{۱۶} و در بی عهد سلوک که
در انقلاب گشته که حکومت صبح جم و چو نیست از راه جماعت و همان نویدی روزی احدی در اتباع شما خیر مایه
و جایی نرسیده به و صلا آن حمایه یقین که در خفا سران الله و طر فداوان او که در ملک شما نیست و نیست
ملت خدای و بی نه که بی وقت و بی وقت که در خفا سران الله و طر فداوان او که در ملک شما نیست و نیست
شاید لال الله و طر فداوان او که در خفا سران الله و طر فداوان او که در ملک شما نیست و نیست

[illegible]

شرح القرآن في

فصل عرف یا کامل

تاریخ ۱۳۰۲

[Handwritten signature]

نامه که از طرف مردم افغانستان به ممالک متحابه فرستاده شده و در آن خواستار پناه ندادن به اعلیحضرت امان الله خان و طرفداران آن گردیده است. در ذیل نامه اول: دستخط از حضرت شوربازار فضل عمه محدودی است.

(نہ مجلس اسما علیہ السلام قدامکے تلامذین کرام جنبہ حفظ فرمائیے)

نتیجہ نقیب گمشدہ کی برادری وطن خفاہ و جانی و مالی این صیاح بود بطریق مدح و تحکیم و چشم محبت نگردد :- بگزار بائی این نقیب و کامیاب شدن و شمس از بی نقیب
این صیاح و خبر بد که بر او آنگه خاکستان دین و دلت گریخته بدست خود خدایا بد و در پیشان سازیم قاصد و ایام اول و الا بصبار
و آنگه شکر از فضل محبت خدایم و درم و توجہ و کلماتی خدایا خدایا و دلت الم برید و آنگه از این خیر نظام امید دین و در از خود صیاح و کلمات امید است که توجہ کلام این زمانه
و محبت بر تنی خدایا و داد و آفاق این محبت آفاق به کلامی غزالی اگر شکر بر آید و ترقی و دلت بد و عهد و ناموس

امروز برای ملت افغان لازم است که دست لغت و برابری داده و چون تفرقه و اجاگر کردن قوم و زبان کرامت و عبادت مستجاب برای داری عزالی با گذشته و دست آمدن و سائل قربت آنرا که کشمیر را خاک مال تافانان وطن محمد و دافع بر ایمان است

[illegible]

بعد از آنکه این مجلس حضاریت اخوت و پیرو دروهرات اسلامی امورات شخصی خود را پس گرفته براه اتحاد خلق دست زدند که ملک جهان را بران ببردش گرفته جوید و پاره کرد.

[illegible]

وقال - انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخيكم ، يعني برادران يا ايها المسلمون! برادران را كه با هم اختلاف دارند و نزاع است در ميان آنها ، صلح كنيد و رنجش را بكنار بگذاريد .

صلی الله علیه و سلم فرموده اند: «المؤمن للمؤمن کالبیان فی الدنیا و فی الآخرة بعضنا» یعنی یک مسلمان به مسلمان دیگر مانند سفیدان و عدو کاتب
 اند که در دنیای و آخرت معاشرت نمایند. (با جماعت است)

ای ای احوال عزیزم که بیدار شود به امروز دشمنان اسلامی و ملی را از هر طرف توجیه کاملی دارند که بمصاف پول و جلیه بیکای کوناگون بین آید

روشنه دو اتی مضاعفانموده اتفاق، فقره، فقرت، پراکندگی واکه انعام ان پلاک خوداست بین ما فیدانند از بر سر خدا چشم کشانید و از خواب غفلت بیدار شود و مانند کونطره و نسبت زمان و فرصت موجود حذر بر انعام اتفاق و گنجائی در اورداری احتیاج شدیدی داریم زیرا اتحاد و اتفاق

[illegible]

دعایم اکنون نیز اخوت و برادری و وحدت کرد و علم و تعاون و دغدغهای با یکدیگر هیچ چاره نداریم چراستند نهیم یکدیگر معاشرت و تعامل و بی لایق فرایمانیم
کشیده نردازیم تا آنکه خدا غلبه و دل و زور خود حضرت محمد مصطفی صلوات الله علیه و سلم و نوح و اسرار را اعلام کرده باشد و منتفحات حضرت و دل و الهیه

خود خدمت نمود، برقرار و جلالات محمد از عموم برادران اسلامی را غرضش و گماهیاب ساخته دشمنان دین و ملت خود را تا کام مبارزیم

یابید که خدمت است ز نام مکتوبات که با کفایت یک شخص بی غنا و وطن جرم انقلاب است دوست می باشد باید وقت را نصیحت شروع متفقاً بر امانت خلعت گذراند و خدمت بکوی وحی کار کنند و خود را به عالم دانش نشان داده مرقعات وطن محسوب باشند که دولت بتمیز دست ما بدرم و مصطفی تارخ روزگار را

گفته بودت که می کار کنیم و خود را به عالم دنیا نشان داده و میقات دهن محبوب با سلیک دولت تحول بدست می آوریم و بر سر خود هیچ دروغ نگوییم

این است توصیف اهل کائنات و ملکی که بنوعی خودش را در میان کلوب درده رسیده و به مسیح قبول برادران عزیز میسالم امید آشنایی متین داریم که فردا روز باراداران عزیز این قوم طایفه
بازار انقضا کرده و ملت حکما هم رفقا نازند و بگویم همان حال که در وقت اول شش روز رسد

نام و نشان خود را بنویسید و در هر روز یک بار این دعا را بخوانید
 اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن ومن الغم والكدر ومن
 الهم والحزن ومن الغم والكدر ومن الهم والحزن ومن الغم والكدر

[illegible][illegible]



اعلان سرکاری

برضا تر سقویانیکه در شهر کابل سکونت دارند پوشیده مباد!
امروز حکومت موجوده نسبت بشمایان مراعات بسیار کرده است
و نخواسته از شما کسی پیش از تحقیقات ضایع و تلف شود اما شما
لازم است که برای حفظ حیات و عزت آینده خود و دور کردن
لکه بدنامی از دامن شرافت خویش از خانه و جای خود بیرون نشوید
و بکوه دامن و کوهستان مخاره نسکنید و از فتنه و فساد دست و زبان
خود را کوتاه داشته باشید چه حکومت موجوده شمايان را مراقبت
مینماید اگر کسی مرتکب اینگونه خیانت ها شد و به تحقیق رسید
جزای سخت ترین خواهد دید.

کابل - مطبع عمومی سرکاری

اعلان سرکاری اعلیحضرت محمد نادر شاه به طرفداران بچه سقر

یوم چهارشنبه
(۱۶) عرّب ۱۳۱۲ ش

بسم الله الرحمن الرحيم
مطابق (۱۹) شهر
رجب المرجب ۱۳۰۲ ق

(ابلاغیه رسمیه شهادت شاه شهید) وسلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر خان

خلدالله ملکه و سلطنته

اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه پادشاه غمخور ما و شما و تمامی ملت افغانستان در یوم چهارشنبه ۱۶ عرّب بساعت سه بجّه بعد از ظهر در احاطه قصر دلکشا از دست یکنفر جانی و خائن غدار بزخم تفنگچه شهید اکبر گردیدند - انالله وانا الیه راجعون - بر حسب امر شریعت غرا این خادم اسلام و تمامی مشایخ کرام و علمای اعلام و وزراء و مامورین و عساکر و رعایای مرکز کابل به ذات عالی شهزاده محمد ظاهر خان فرزند ارشد اعلیحضرت غازی و شهید رحمت الله علیه بیعت نموده و بدل و جان ربقة اطاعت این پادشاه جوان بیخت را که خدای عالم یار و مددگارشان باد بدوش قبول گرفتند. این بیعت از طرف اعلیحضرت ممدوح قبول و بروز مذکور اعلیحضرت شان پیداشاهی افغانستان شناخته شدند .

باین ذریعه شماعریران را ازین قضیه واقعه مستحضر گردانیده برایتان امر میدارم که بیعت آهالی و عساکر و مامورین آنها را بنام اعلیحضرت محمد ظاهر خان استحصال و ارسال حضور داشته و مدت سه روز در آنجا فاتحه اعلیحضرت غازی شهید را بگیرید. و وکیل صدراعظم وزیر امور حرب و شاه محمود

قیمت یک افغانی



۶۱۸۷۵۷

ب
نمره

وَقَعْنَا بِعَيْتِ رَسُولِ رَبِّنَا

۲۸۳

تصویر		هویت	
(۱) مقصود از این برگه تأیید بی خبری فرد ذکور تبعه افغان است که صفت تابعیت شان معلوم بوده و در صورتی که داخل و خارج از حقوق تابعیت افغانی استفاده و نمایندگی نماید و در صورتی که داخل و خارج از حقوق تابعیت بنا بر علیه عموم تبعه ذکور افغانی در داخل و خارج از حقوق تابعیت مذکور و تمام دولت قبضه خود تکلف باشند. (۲) به یک بار رعایت احکام اصولنامه تابعیت افغانستان است. (۳) اعتبار تذکره برای مدت عمر است اگر فرسوده و یا خراب شود و یا از سرسلاچیت و یا تجدید و شمی بنمایند هرگاه در اشتباه مسافرت حقوق و شورو اردو از محل توقف فیما بعد اثبات تابعیت شمی حاصل می توانند. (۴) برای تبعه افغانی که در خارج افغانستان سکونت دارند تبعه اثبات تابعیت که طرف تفریق حاصل شده بتواند تذکره تابعیت از سفارتخانه و توفسلخی نامی افغانی داده میشود. (۵) نامورین احصائی که در تذکره تابعیت و یا جداول مربوطه آن جعل می نمایند و یا اشتقاقیکه تذکره دیگر را بنام خود استعمال کنند یا از خود المقصد استعمال بکنند یا تذکره دیگر را از خود استعمال کنند (۶) بعد از نشر و توزیع تذکره افراد ذکور افغانی مسافرت میکنند تذکره تابعیت با خود دارند.		اسم و شهرت	مد عبد الوارث
		نام پدر	عبد الوارث
		سکونت	سکونت در دره
		عمر	سود
		محل ولادت	سکونت
چهره		قد	ما
		چشم	سبز
		رنگ	سرمه
		موی	سود
		علامت فارق	سود



اعلیٰ حضرت پادشاه افغانستان ارجعه عزم فرموده
امروز که کابل سیاسی و اجتماعی و قیامی در حال
در شرق جریان دارد خود هم گذر دوی و در حال
بدر از آن در اینجا اهلان استفاده کنند و پس مادر
را نمدن قدم ما بر میارد سنگ راه شوند.

چون میفرمود که اعلیٰ حضرت ساداتی بحدود و تنوعی در وطن ایران
نیایند خدایا سادات و بزرگان شما را و عایض در خانه کعبه
و مدینه منوره و از یهود یا رومیان که الهی خاک اصفهان و
استقلال آنرا تو نگهدار (بایله) یا مالک الملک) چراغ ملت
اصفان در برپایه شما بعلیق دارا می حیات میکنند هر چه می آید از
ملت و از آن خون بهشت شما برین جمعیت است چرا که اعلیٰ حضرت
فرمودند و وعد میکنم که در وقت دعا و از شما خواهم بود.

فیلح آزادی سلفت بنارم د قوروس تشار و نخل من تشار

بیت غیرت گلشنی بود سبزه باستان
آزادی قلم انسان و حجاب استقلال زن
انسان خداست میان انجام دیده و ملت انسان را
زیر لاله الهی شاد دریم بی لاله ... و عداوت اسلام (دیکتاسی
اسلامی) به خروج رقیب رسانید.

۱. اعتقادت شما مع انزیک ما صل و از انیک خود برستم. خدایا پروردگار
شما بار در غمزم و اعتقادت محمد داشته باشید چه در پیش و اعتقادت
عبد الله خاں شهید بعد برادر مع و چند سال فوری دکنستان غمزم
یک دیگر بگویم در حقیقت خود بر زبان و دعا داری آن داد و بیدار
مد اهل سلطنت شما جواریا ملکولافیم فرستاده بگویم. بیدار
بر عیوی شما بطور غمزم و الا حضرت شاه ملی خان و سوارای
شما در دم نیست به اینکه از هم جدا نباشیم خدا را شکر خدا را شکر

ارزویی هیچ فردی که یکی از افراتر ملت شماست فقط نقطه
صلح و توحش افراترینان غیر توحش از دیگران. الی سعادت
آنها و موافقت و علمت شما را فراموش .

نمبر (۱۷) ۱۳۰۶ هجری
تاریخ (۱) ۱۳۱۹ هجری

(۱۷)



ف ع س ب ل ه ا د ی غ ن ا م س م د و م م ر ط م غ ن !

په مغفور ما اعلیٰ حضرت غازی محمد نادر شاه شهید سعید (نور اللہ مرقدہ) در ضمن پروگرامی که برای خبر و بهبود مملکت طرح فرموده بودند منو ع طبع قرآن کریم را در خود افغانستان نیز در نظر گرفته بودند که قرآن کریم با رعایت شرط و آداب اسلامی با تمام بیست جمعیت العلماء در ریاست مطبعه عمومی طبع شود، چنانچه حسب اراده آن شهریار شهید و خیرخواه ملک طبع قرآن کریم در عهد مبارک شان در مطبعه عمومی کابل شروع شده و قریب سه ازان طبع و متعاقباً در عهد زمامداری ما که تماماً آمال نیک آن شهید با فقیه تعقیب میشود باین امر مهم نیز توجه بعمل آمده و اکنون بر حمت الهی قرآن کریم منطبع افغانستان بجای از طبع فارغ گردیده است.

چون آرزوی حضور ما این است که رعایای عزیزم در امور دینی و دنیوی خود توجه داشته از راه اعتصام برشته متین کتاب الله و شریعت قویم محمدی صلی الله علیه و سلم ترقیات مادی و معنوی نائل آیند لذا بضیمه فرمان بنا یک جلد قرآن کریم منطبع افغانستان را که طبع آن از بهترین یادگارهای عصر نور آن شهریار فقیه بوده و افغان طبع است با افغانستان عامه است جهت تلاوت شما بدی میکنیم، در شای تلاوت این قرآن کریم البته برای خوشنوی روح پاک آن شهید مغفور که بانی طبع آن در مملکت میباشد خداوند بخشنده و جوده آرمی و ترقیات و وطن خویش دعا خواهیم کرد تا خداوند ببرکت این قرآن کریم افتخارات نیریزی نصیب افغانستان بنماید.

فرمان اعلیٰ حضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه راجع طبع اولین نسخه قرآن کریم در مطبعه دولتی افغانستان.

Oste. communal,
Nilgiris. South India.

26th April 1947

I, Mahommud Amin (Sirdar Amin Khan) son of the late
Amin Habibullah Khan, swear by Almighty God that I will be
faithful and bear true allegiance to His Majesty, King George
Sixth of Afghanistan, his Heirs and Successors, according to Law.

M. Amin
26.4.47.

من محمد امين پسر مير حبیب الله خان سوار سوار دین خدا قسم می کنم که من به پادشاه
دولت پادشاه افغانستان محمد ظاهر شاه وفاداری می کنم و به او و
وراثت او و جانشینان او وفاداری می کنم.

Taken & acknowledged
Before me, H.H. Carleton
District Magistrate
The Nilgiris.
28 April 1947.

To
The Afghan Consul General,
New Delhi.

Sir,

I am informed by our District Magistrate in his letter.

C1 No. 2731-14-46, dated 21-4-1947, that you have informed the
Government of India that you can issue a passport to me provided
I present my oath of allegiance to the Afghan King.

As you gave me no instructions concerning the wordings of the oath
etc., I copied above wording from the English and wrote a translation
of the same in Persian signing both with my signatures.

Please be so good as to send me my passport as soon as I have
already sent you all the particulars, passport photo and my photograph
with my application for passport.

I hope to get my passport from you in reply to this letter.

تعهد نامه وفاداری بردار اعلی حضرت امان الله خان (محمد امین) به اعلی حضرت محمد ظاهر شاه



حضرت عبادت بنیان جناب شهنشاهی بر بایجان ملا عبد الرزاق را خداوند در سنگ و پناه خود
 بجز بر صوفی غریب تعلیمی میکرد و عریضه جناب شهنشاهی در تکریم و احترامت ارزود و احسان و یک بفرست بخت صادقتان در
 سوت دین پرورانه شما که سعادت معزز و دنیا و آخرت را حامی بود و دست بشارت خاتمه رسید و دواز
 طاعت مبارک و اخصیصت بایان حسن گذارش یافت و نوبت ای اظهار شما در جناب خاندان و در سلسله کمال انوار
 در شریع میشود و نامموم و خصوص ازین دستاورد حاصل نمایند. باقی از اقدامات و حیالات متدبانه و محرومان
 شما که در صوفی غریب دین داری و مقبول بارگاه حضرت خداوند باری است خاطر بزرگ اخصیصت و احسان
 شکر کردید. جناب شهنشاهی را در اول کی در حضور خندان دین سعادت و طاعت اسلام بزرگواران در حلقه
 محمول فرمان جرب عریضه فکوره خود که از حضور شرف ارتقا پذیرفته است شرف تبارک است و در زمان
 شما بفرزند در عهد جناب رسانیده شد. خاطر و یا با شرف و در امن البته بکمال طاعت فرماید.
 ای عباد فیض اوی عالم باصل حق قایل از شما راضی باشد که در راه اعلای کلمه که در سرب و سر
 و حقن بیکو شید بدست آمد از شما خوشتر باشد که در سنگ ناموس غریب ایمان داری اتفاق خودی و در سنگ
 و جنت میوزید انشاء الله بر تبار خود کام یابی آید درسی و کوشش ثابت قدم باشید
 در عیای خدا و در قبول خدا و پادشاه حاصل آید. و نام و شان ملت افغان بهر دست و پا بکمال
 مورد روز چهارشنبه ۱۰ ثبانی ۱۲۳۵ هجری قمری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۸۰۰

د ۱۳۲۲ کال د حمل او مریخه نېټه

کراؤ اور عایاؤ !

دېسریل موسم چه دېزکړانو زيار او کوښښ پاره دېږيږي او مناسب وخت دی راوړسيدا او د خسکي مخ د لوړاو لپور د غوښه او اوشين کيد و د پاره تيار شوی دی . نو دې پخپره کښي هېڅ شک نشته چه هغه خلک چه د دې کتور وخت او موسم غږېږي بايد اخلي او د وطن د حکومت په آبادی او خبریزي کښي هر قسم زیارا و کوښښ کوي . د کړنل هیواد په څه کار او کښي کښل کېږي ، او د پاک خدای په مقدمه یې پراکښي بدنيک او اخري به و ښکلوږي بیا اجر و نوا و عوضونه و مومي .

کله دې غوره فرصت نه پېرغال په شاوړ و فصلو نو کښې یو بل
ارو مرو راځي ، په پوره ډول استفاده و نکر کړي . نو دخپل خوږ عمر
یو بل کال به په انتظار کې تیر وی . ترڅو چې بیا دغسې بڼه وخت لاس ته
وړ شي . دهغو لارښوونو په مسله کې چې هر دغسې خو نو کښې مو کړي د
ډډی د دې اعلان په ذریعې خپل قول رحمت کړ تر کړ او دهقان وی او کابل
شوک ، دې قیمت وخت ته متوجه کوو ، او د ارشاد ورته کوو چې ، د پل
پلومړی و رخ پکده او په نور و ورځو کې څانده څانده د ویاړ او بلښو
په غاړه او د غره په لمنو او نور و مخا یو کښې چې او بڼه ترسې په پخپلو کومو کې
او یا په هغو کومو کې چې دولت او اوبار والی له خوا دغه کار د پاره اخل وې
دغسې ښایي کېدونی ، چه د زړه سې او بڼې میوې کوی و د کومو
او اقتصادي کچې ولری ، باید تاسو هیش د دغسې لیکو خبر واخلي
او او بڼه وروسی چه ستاسو د غزیاړ او کوښښ په لټو دغه لیک
او مطلب وکړه وڅرجه واخیستل شي .

پہ پائی کنویں پاک خدای نہ غولہ و چہز مونہ کران ملت پہ خلو تو لو فردی واجتہا
وظیفہ کنی کامیاب اویسی او دروی بہ ہمکاری او مرستہ کران ہوا

رعایای عزیزم !

موسم بهار برای طبع بهترین وقت کار و کوشش است حلول نموده و اوضاع
ارضی برای تربیه و تمهینه نهال و نبات آماده گردیده است . آسمانی که ناز و وقت
حسن استاده گردونی را تو سرسبزی و طراوت که شورش را به یکدیگر خود را می بیند
یقیناً از مژده میگردان و طبع عزیز محبوب و نازده حضرت . باری تعالی بحیثیت بندگ
خیز زود و خیر رسان عاجز و مسود خواهند شد .

این فرصت می قیمت کلی فصول چاکانه سال یکبار آمدنی است که مورد انتظار
قرنیزیکه و ده بیست یک سال در گذر عمر عزیزه و اوقات کلان به صرف انتظار خواهد شد اما باشد که باز
بهموقع پست بیاید . با بسط و توسعه ای که در چنین مواقع نمود و بهمیک پهلوانی
عموم رعایای خود را در جهات نزاع باشد یا غیر آن بلزم منتقل و متوجه فرصت و وقت
ساخته ارشاد می نمایم که در یکی از روزهای ذیل بسیار بصورت عمومی و اجتماعی و باقی ایام آن
طوفانی و خصوصی بخرس نهال های نادر و سودمند خصوصا اشجار بار آور که منافع
و اقتصاد آن بیش تر مستور است بچنانچه بدار ، شعیخ و بیاد ، دانه های جای کلان
آبیاری باشد ، از شخصی و زمین های که در ظرف دولت یا المیه یا مایه این
یا باشد بذا اقدام نمایند و بایامین نهال بارانیه یا خبری و آبرسانی هم کنند تا قوی
فرایه خلوص محصل آید .

دخترانہ : دیکھیں کہ ملت عزیز اور کایہ وفائف فریدی و اجناسی پش
کاسیاب جرد و پستپای و مسکاری شان وطن عزیز ہیشہ سر

و با طراوت با شادمانی
او سود و گنجینه را



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پادشاه عجایب ایران

رعایای عزیزم !

مردگان و رعایای !

موسم بهار که برای نوع نباتات و اشجار دلی سال . بهترین و مساعدترین وقت محسوب میگردد .

اینک معلول نموده است .

این فصل طبع پرور ، مستلزم آنست که آنرا در میان سرسبزی وطن و کاشانی که می توانست زحمات اقتصادی و صحرایی خود را در این فصل نموده باشند با تمام طبع و این فرصت طبیعی و نهادهای حسن استخوان کرده به توسعه زراعت . غرس اشجار ، تکثیر نباتات و تشکیل قریه و احداث بخش مبادرت ورزند .

تا صبح یکشنبه کربلای رعایای عزیز با اتفاق یکدیگر می آید از روزهای اول سال طوبی اجتماعی ، و باقی ایام و آوازه یکسان باشد بصورت متفرق و متشتت . در این ایام شخصی ، و اهانت و اراغی که از طرف بیدار به جای مناسب ، و دست ای بیابان و کنار بناها و تقاب تخمین شده باشد در سر و غرس نهال و کثیر نباتات مساعی بجا آید . و باید توجه داشت که آنچنانکه از این فرصت غافلانه در غرض نیست با هر چه از اوقات و بهر آسایشی و آسایشی شوند .

آبیاری نهادهای فعال و حسن نیست و عمل فراوانیکار . و طبع سرسبز و شادابی و بهار نموده از حقوق اقتصادی و صحت عامت هرگز

موسم بهار که برای نوع نباتات و اشجار دلی سال . بهترین و مساعدترین وقت محسوب میگردد . اینک معلول نموده است . این فصل طبع پرور ، مستلزم آنست که آنرا در میان سرسبزی وطن و کاشانی که می توانست زحمات اقتصادی و صحرایی خود را در این فصل نموده باشند با تمام طبع و این فرصت طبیعی و نهادهای حسن استخوان کرده به توسعه زراعت . غرس اشجار ، تکثیر نباتات و تشکیل قریه و احداث بخش مبادرت ورزند . تا صبح یکشنبه کربلای رعایای عزیز با اتفاق یکدیگر می آید از روزهای اول سال طوبی اجتماعی ، و باقی ایام و آوازه یکسان باشد بصورت متفرق و متشتت . در این ایام شخصی ، و اهانت و اراغی که از طرف بیدار به جای مناسب ، و دست ای بیابان و کنار بناها و تقاب تخمین شده باشد در سر و غرس نهال و کثیر نباتات مساعی بجا آید . و باید توجه داشت که آنچنانکه از این فرصت غافلانه در غرض نیست با هر چه از اوقات و بهر آسایشی و آسایشی شوند .

موسم بهار که برای نوع نباتات و اشجار دلی سال . بهترین و مساعدترین وقت محسوب میگردد . اینک معلول نموده است . این فصل طبع پرور ، مستلزم آنست که آنرا در میان سرسبزی وطن و کاشانی که می توانست زحمات اقتصادی و صحرایی خود را در این فصل نموده باشند با تمام طبع و این فرصت طبیعی و نهادهای حسن استخوان کرده به توسعه زراعت . غرس اشجار ، تکثیر نباتات و تشکیل قریه و احداث بخش مبادرت ورزند . تا صبح یکشنبه کربلای رعایای عزیز با اتفاق یکدیگر می آید از روزهای اول سال طوبی اجتماعی ، و باقی ایام و آوازه یکسان باشد بصورت متفرق و متشتت . در این ایام شخصی ، و اهانت و اراغی که از طرف بیدار به جای مناسب ، و دست ای بیابان و کنار بناها و تقاب تخمین شده باشد در سر و غرس نهال و کثیر نباتات مساعی بجا آید . و باید توجه داشت که آنچنانکه از این فرصت غافلانه در غرض نیست با هر چه از اوقات و بهر آسایشی و آسایشی شوند .

موسم بهار که برای نوع نباتات و اشجار دلی سال . بهترین و مساعدترین وقت محسوب میگردد . اینک معلول نموده است . این فصل طبع پرور ، مستلزم آنست که آنرا در میان سرسبزی وطن و کاشانی که می توانست زحمات اقتصادی و صحرایی خود را در این فصل نموده باشند با تمام طبع و این فرصت طبیعی و نهادهای حسن استخوان کرده به توسعه زراعت . غرس اشجار ، تکثیر نباتات و تشکیل قریه و احداث بخش مبادرت ورزند . تا صبح یکشنبه کربلای رعایای عزیز با اتفاق یکدیگر می آید از روزهای اول سال طوبی اجتماعی ، و باقی ایام و آوازه یکسان باشد بصورت متفرق و متشتت . در این ایام شخصی ، و اهانت و اراغی که از طرف بیدار به جای مناسب ، و دست ای بیابان و کنار بناها و تقاب تخمین شده باشد در سر و غرس نهال و کثیر نباتات مساعی بجا آید . و باید توجه داشت که آنچنانکه از این فرصت غافلانه در غرض نیست با هر چه از اوقات و بهر آسایشی و آسایشی شوند .





وزارت خواجه نصیر

مدیریت شعبه هندوستان و انگلستان

جناب عالی‌تعالی دوست محترم مایه طلبه الرزاق خان رئیس المجاهدین وزیر
زید احرار

مکتوب مورخه ۲۹ ماه جوزا در کمال شایسته و جلیله خارجیه و همواره از صفایین سند
آن استحضار میسر گردید

آن اعلانات و جریبای انگریزی بر سیاست منی است. آوازه دانی که مرا از زند درج است
و له اینکه بگوید شاکر را معطل کنید. فی الواقع موقتاً بند کرده ایشان اطلاع مید
که من جنگ را حسب اشاره شما بند کردم چه آثار آغاز مضامین شدیم. اگر همین بد
من ضمیمه است پس متفهم که شما زود جواب بگوئید. قبضه وزیرستان با خون و
انای آن بسته است و متبیکه این زندگان موجوداند نباید حکومت بر طایفه نباید
همو الفاظ کثرت شده مذاکرات فریقین نیست تجریر درآرد. افغانستان هم تا
که من می‌شناسم برادران دین عرق جنس قوم خود، به آتش شده نمیرواند
والسلام علی من اتبع الهدی. از بگونه صفایین اگر او می‌خواست و همیشه
شرط آزادی وزیرستان را با بعضی مصالح که جمیع نقضات جنگ در وزیرستان
از او طلبان باشند. کتبه نه ماه سنبله ۱۳۰۳



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَعَلَىٰ آلِهِ وَارْحَمِهِمْ

دخدای په فضل افغانستان اولواک

در بنسټیانی خدمت وزیر پاریکلویپه نماخنه (بنای علی عبدالهادی خان دصدا رت
عظمی دضبط احوالاتو درهاک
درهم رتبه مامور)

د (نکلی رشتن -) لوړ مدال به ورکولو سرلوړی شو

د فرمان چه زموږ له حضوره ورکړسو دده ښه خدمت

اود دغه مدال ورکړه شړکندوی .

نېټه ۱۶ - ۸ - ۱۳۴۷

چهارمین متبن اسلام
المشکل علی بنه



مجدد ظاهر

بفضل الهی پادشاه مملکت افغانستان

ن

دهغه باور او اعتماد که له مخی چې په جناب عالیقدر جلالآب محمد موسی شفیق دافغان
د دولت صدر اعظم اورد باندنی چارو وزیر باندنی فی لرودی ته والی وکړو چې د
ایران د دولت د واکمن استاشی سره د افغانستان او ایران ترمنځ د هلمند د سیند
د اوبو شتون او پر هغه ترل شوی لمړی اود ویم لمبر پروتو کولو نو په باره کی مذاکره وکړی.

کابل د واکشامای د ۱۳۵۱ کال د کب میاشتی ۱۹ نه یو د ټولو اکی غلوی شتم کاس

ششم الرأر رسمی لدرج

خواهر و برادران عزیز کفعم .
سید در طول مدت مسئولتهای مختلف در حدست
هسته در چگونگی هدفی بردم که برای مردم افغانستان
مفوضات طبقات محروم و اکثر جوانان مملکت ما
یک محنت مثبت و واقعی شود و نامای مادی و معنوی
مکرر گردد و در آن همه افراد وطن ما بدون استغناء
و امتیاز در برابر آتالی و عمران وطن همه سهم گرفته
و اصالح مسئولیت نمایند .

۱
بدینا آری نه و نه پس رفقا را بپندارند تا عوامی
که نتواند به تجارت به شعر و کلام مختلف بالغ
رسیدن به چنین هدفی نمیدانند و در این زمینه
بر دردم و مفوضات در مملکت اینست تا بر عبادت

در خانه یک بار دیگر این معرفت بزرگ
 من به همگان بجزیر قریب بر یک لقمه دادم
 همه وطن پرستان خانه اردوی بدامار قتلستان
 که از هم گریخته سستی و کسالت معذور و خائفان
 در لایحه نموده اند از هم طلب لطف و کرمستان
 عذر الله عم علیکم

چون سستی و آرزو سستی مانده اند لقمه انعام
 دهنده پسر دلم این همگاری از واد هم افزار
 همه طبعه عول کسور از تملیات پس همه است

ویدر یاقین آن اعم قریب دارم
~~ویدر یاقین آن اعم قریب دارم~~
 زنده در قتلستان - پانصد و هجده

ما نم که از هم که تحول مثبت بهتری و اطمینانی را
لغویت تمام اجازه دهد به نگر جوهری و
مصرفت محبه و از نشود نای غرافی دار بجا عجا
چونگی که کند .

نشی از طی زین بر اهل دیگر علی تراغ نه است که
در وطن ما صفی جدیدی که لغو من میسند ن به هد
نمون باز نگردد .

من برای سعادت آنست و طایفه فر ما نم
شاهین یک دموکراسی واقعی و معقول که بی شش آرد
بر حدست ~~طی و طبع~~ به اگر دست مردم میانشان
برورد چه را اندکی تراغ نه است و ندارم .
به لغو شده شد و طی چینی یک دفعه لغو می
تا این کامر فتون مردم و اعزاف کامریا هر

حاکم ملک که بنامه به سر راهم نون ظاهر
 یا تو سید خلی وارد شود و
 این آرزوی مقدس بود که مرا که سال قدر ~~مستحق~~
 مروت تمام پنهان آفرین خود را مقرر کنی پیش
 لطف آنرا برای خود سعادت ملک قباله کنی
 بمانم — آن آرزوی مقدس مرا به این بی تو
 ملک منور گردید ~~و~~ و مرا آن رفقا ~~و~~
 ضعیف النفس ~~و~~ در هر چه مشغول درم غما را تعقیب
 کردند دست نیست پس طردنی که تغیر آن در این
 زهد گونا گونا گوس ندارد و در غمت شامد الهه
 لطف هموطنان عزیز رساند خواجه
 به صورت نیکی آن که آن امید ~~و~~ دعا
 درین و آن آرزوهای نیک بیک دیگر را

بتدلی ~~مجلس~~ که از اندام است بر سر آید بر عقد
 و منافعه شخصی و طبقاتی بر تعجب و دشواری برود
 و در تمام مردم و هر کس که در دنیا بود باید آن کرده
 اما تمام این همه تبلیغات دروغی در وقت همین
 سال نیز گشت حقانی هیچ را که ببارد از این
 دور شکسته آن مطلق مطلق و هیچ قیامی وضع
 از ادبی وضع از برای و شکست نیست چه از برای
 نیست و با اینسان و بسیار طبع بر شده
 حلاله و غیر از این یعنی حکومت تمام است (اما در تمام)
 و در تمام حکومت مشروط است بر تمام مطلق العنان
 تبدیل است و هوکدوم از این قدرت ها بماند هم
 و به جای این تمام اینها در هر کس از هر کس
 اندر از دگرانی که آن را در تمام حکومت

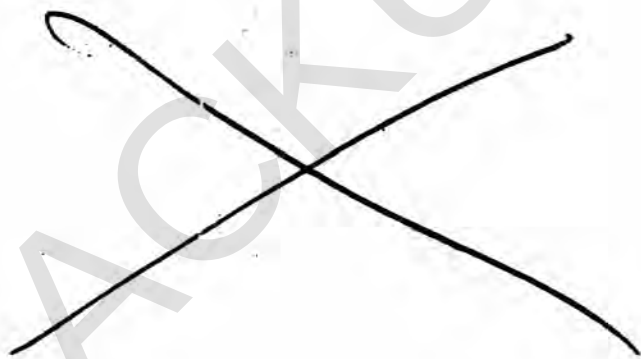
از وضعیت تابیرانه در سایه رهن فضا
 و تیره و تاریک بر زردی و قعود ملکیت مقاصد
 ششم مادی و ملکیت ششم فضا
 وطن سرستان در هوای رهن ملکیت که برده
 این حالت رقت بار وطن فضا باید دنیا
 تا شرف تا نام نگا بکرده و بر قریب اصل وطن
 بودند مقوما در روز رهن در دراز رهن شرف ملکیت
 بکرده و به رهن اندام امروز و فردا رهن دستگاه
 نامزد و زنگرد باید فرار و وضع به ملکیت ملک
 مطلع و به رهن فردا فرار و رهن اندام ملکیت
 ششم دودنه اما شرف ملکیت ملکیت که رهن ملکیت
 ملکیت به و رهن و دستگاه ملکیت ملکیت ملکیت
 بکرده و رهن و دستگاه ملکیت ملکیت ملکیت
~~ملکیت ملکیت ملکیت ملکیت ملکیت ملکیت ملکیت ملکیت~~

خام اردوی وطن پرست فغانستان لایعین گنج که
 دیگر به نظام نایب فاکه داده شد در وطن ندره
 و به دیگر بخار - در کشور باید .

هموطنان عزیز باید به وضع یک برنام که دیگر به
 نظام ندره و نظام همه به ما که عبارت از نظام
 جمهوری است و با بعضی تحقیق پس
 در این یک جائزنا را کرده - زنده می
 و به زنده می بماند این اولین جمهوری فغانستان
 و به این بر یک مکتوم و در این را بر این سعادت
 و فرزندی اقلان و ملت فغانستان

مکتوم و مکتوم مکتوم
 اردوی نادر فغانستان به یکدیگر کرده و کنار
 که همیشه این مکتوم به تمام بر یک مکتوم

^۷
 یقین دارم همچنان بر طاعت فرموده باشم
 که عبارت از آداب است و حفظ حاکمیت
 در همانست که یک مرتبه فراموش برد
 فطرت خویش گمما با خود در غمزم که بنیادهای
 که تعهد در آن فراموشی است و نفس نیست و در آن
 نزدیک اجماع هر کسان خیر فراموشی



۵۰
سایت چای قباستان بهیچ بلورنی عدم
درینال لای قبا و قضاوت آزاد فر
مردم قباستان استوار قرارده بود .

~~تیمور شاه~~

سایت بین املی قباستان برپایه تختات ملی
کتور برپایه تخت مادی و معنوی مردم ما طبع گردیده است
از زوایای معنی و آرزوهای لای ملی ما بطور واضح
علوم میورد که بر آوردن تختات ما بهتر از همه چیز
به حل جهانی نیازمند است . هیچ کشور فرد در دور
حل گستر نتواند به آرزوهای ما ملی فرستد ^{نیاز}
چون ما بهتر از همه کس قادر نیازمند سعی در
اکتاف نیست فر میدانیم بهتر از همه کس فراهم
حل دین جهان هستیم .

درین دو پای تحقیق شایسته نباشان
 هیچ فرقی و دوری با او مردم و ملل جهان را
 درین آرزوی همگونی تبصیر در مورد هیچ
 کس یا مردم چه فرد و چه بزرگ چه دور و
 نزدیک و نزدیک و دور و در راه انتقال
 از خیالات مردم فعالیتان سرچشمه می گردد
~~که اینها را~~
 غنوی که شایسته بیادمانه غنوی نباشان را
 استیاز می کند و استیاز می کند
 است که از استقلال اراده می فعالیتان
 نمانده گی مکه

باین روشی در واقع مردم نباشان با دول
 شایسته بایم از نظر ناپذیر و استوار و شایسته

و در ترشح و تشنه نریزد آن از طوق دیوهای

تاریکهای شگفتا امان و جلد همکارهای بنی (الله) شگفتا
~~غریبانه در از روی ما این است که از آن~~
~~نعمت در عالم نیست و عمل در دنیا نرفته~~

این لغات ~~در عالم نیست و عمل در دنیا نرفته~~

ظن عفا و حسن نیست ~~این است که از آن~~

منصور ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا
 بر روی ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا

بدن در روی ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا

که در روی قفیه ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا

سیاسی دارم ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا

سعد دائمی ما ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا

دوام ~~منصور~~ مل متکلم ~~منصور~~ هدف آینه سعادت و آرامش دنیا

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۵۲
م

بر ادم حاکم کتاب بر سر جمهور

از موقعیکه جز جریانات اخیر نشنیدیم تا ایدیم محرم شود

دلمن من بعد و برای آینده آنرا نگذاشتیم مردم
مگر همان که دنیا بتم مردم افغانستان بغرض اداره آینده امور ملی

خود از درجیم جمهوریت با اکثریت کامل استقبال نمودند و به احترام

از ادران مردم دلمن مردم را از سلطنت افغانستان مستعفی می شمارم

و درین وقتیکه از تقسیم خود به شما ابلاغ میکنم

و در حالیکه آرزوی من سعادت و اعلای دلمن عزیزین است

خود را بحیثیکه فوّه افغان زیر سایه برق افغانستان قرار میدیم

و مای من امنیت که خداوند بزرگ و توانا همواره مای و مددگار

دلمن و مولانا من باشد

بیعت نامه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به رئیس جمهور محمد داود خان

[illegible]

یکی از فرمانهای اعلیحضرت احمدشاه بابا

فما من آفة الا ان سئلوا عن ذلك فاجابوا
 لا لعب الغني احسن منهم ولا لغيره احسن
 والله اعلم بالصواب
 او در تعجب هم جا نزنم و اگر تشنه نبود اقتداء منقرض
 جابر است مالم يقيدوا خمس بجده موهبا و در ارباب مصيب لعدم خوفه كرتنفع
 لا لخطه لعدم در بزرگوارين و در الحما صرح بانيم و اقدرى به المنقرض
 في قيام الخامسة بعد القعود قدر التشديد صرح و لو عاد الى العفة الاول
 لان الله الامام لا قام الى الخامسة فقدر في الفعل فلما ان اقتداء المنقرض
 بالنقل و لو لم يقعد قدر التشديد صرح الا قدره و لانه لم يخرج من الفرض
 قبل ان يقيدها بسجدة و جبرائيل في سجود السجود
 نعم الحكيم امير المؤمنين
 و السلام (حق العبد الفقير)





در تمام

[illegible]

Handwritten signature: *Dr. J. B. ...*

[illegible]

[illegible][illegible]



سایح بازدهم در علم الحرام
احمد انب سبک و ضایع از صاحب احمدیان و ملک سلطان بنو قاهره
به بیج باقی قطعی صحیح از رایج که گفته و ملک آنها بود و در تحت تصرف ملک
خود درشته اند تا آنکه این صباغ را یکی و نیم اعیان و قایل به بیج قطعه
صالح الزمان در تحت از درون مقدره بر حکم اخذ کنند و زن فواید
و مجد دست با بیج و دار به تر قاصصت بزر نیز عزت عزایا باشند بزر
احمد تا لا اله الا الله است و جزو با ملحق است بزر نیز با فواید در حد و دان
علی مظاهر است از رایج دارند و نمند و اضاعت بزر آنها که بیج حقوق و مایش
بر بیج شفت تحت نیم رو به بیج حد تمام وزن رایج الوقت بمشاوره
که نصف من سنی یاد و بزر و بیج حد بمشاوره است قدر این حد که افند و
قبض شرع نمند و بزر این با بیج مذکور و بزر با بیج مذکور این حد که افند
از دعوت و در زیر این قرار و بزر بیج و غنی القاسم مع التفریکان
ذات الحفظ المسلمانیه که بزر و بزر فاضل این
کورد
دولت کهن
رحمان
عبدالله
میرخان

من ارسله الى الجبل له شريك وليس لي جده معه فبقية الميزان التي في حال الخلق والحق عليه والحكم في حياض احكامه
والخاصة من له الامام في الحق احكام الاحكام اذ كان المشهور من اشد الامانات على الناس ان الله لا يهدي القوم الضالين
ويعتبر انهم لا يمانون كمن كان الامام والعهدة لا يمانون من شتمهم فلو انهم لم يمانوا لكانوا حجة الله على الخلق والامانة والاستقامة
الكلية لا اراهم شاهي من استغنى في المرد بعد وجوب له كماله الكمال والامانة والنية والاستقامة

قال في السمع والسمع والسمع
على القديس الموفق في حق الامام
الائمة

من ارسله الى الجبل له شريك وليس لي جده معه فبقية الميزان التي في حال الخلق والحق عليه والحكم في حياض احكامه
والخاصة من له الامام في الحق احكام الاحكام اذ كان المشهور من اشد الامانات على الناس ان الله لا يهدي القوم الضالين
ويعتبر انهم لا يمانون كمن كان الامام والعهدة لا يمانون من شتمهم فلو انهم لم يمانوا لكانوا حجة الله على الخلق والامانة والاستقامة
الكلية لا اراهم شاهي من استغنى في المرد بعد وجوب له كماله الكمال والامانة والنية والاستقامة



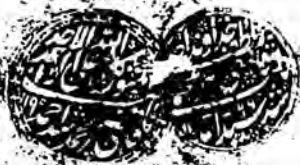
[illegible]

استمعا له

بسم الله الرحمن الرحيم

طريق الناصر السام ٢ عنوان ٣ وليس لا عدد من الشكاه في النيران شيق شهر او يصف عليه عمر او جزاء او بيع في المهر او قسم بالانام ولله
قد كانت بالكور او يوتون فغير الي ارضي لآخر ليس له من تدرب مد رعاء وليس لا على سكر النهر مد رعاء وان لم يترس بدونه كراي شيرك
اراد اعدم ان يفتح فيه بابا الى در اخر سكتا فزستاني بذه العدر الي مغلبي متخما زيدا الشراي ثم در غفاري ولهم تعقير بعد الاغاذه ولو نتم من بعد ثم ٢ ورقه ٢
البيع ان لا يبيع النهر في ارضه سكتا في واحد منها الفخ ٢ تا فرخا ٢ م كل واحد وكل واحد من اهل الخدم من قسم ابداء و ملائمة تعقير و رفع بعد ٢ ريكو انما كوا
لاني فيه ضرر او لا لم





در نام

[illegible]

عبد الجبار خدو صلی اللہ علیہ وسلم

میرزا حسن بن میرزا حسن بن میرزا حسن

بیشتر علی سینه که مقصد نباشد
در پشت از کوبیدن در پهلوی

یہ سب جمع ہونے کے لئے

رسالة ابن خلدون في معرفة العبد

بجمل الطبع بر مغنون مستقر

بانیه کهنی و نوحه به عهد بر دیا

در غرض نهیست باید است

PROPERTY OF

3184

A circular stamp with the words "PROPERTY OF" curved along the top inner edge and the word "MAGNET" in the center.

دانش کتابخانه منتشر نموده:

علامه عبدالحی حبیبی	جنبش مشروطیت در افغانستان
علامه عبدالحی حبیبی	تاریخ مختصر افغانستان
علامه عبدالحی حبیبی	تاریخ خط و نوشته های کهن در افغانستان
میرمن دوپری	بناهای تاریخی افغانستان
میرمن دوپری	د افغانستان تاریخی ودایی
پوهنوال لطف الله صافی	جغرافیه عمومی افغانستان
پوهنوال لطف الله صافی	د افغانستان عمومی جغرافیه
میر غلام محمد غبار	احمد شاه بابا افغان
میرمن لیدی سیل	شبخون افغان
امان الله هوتک	د خپلواکي لمر خړک



بسم الله الرحمن الرحيم
اعلان



اعلان
معاونت
معاونت

بسم الله الرحمن الرحيم
اعلان
معاونت
معاونت

اعلان پادشاهی

از مژده اعطی

تلفون: 2564513

اعلان

بسم الله الرحمن الرحيم
اعلان